اُمت

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنٰاكُمْ اُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَى النّٰاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً

دراین‌شماره:

جنجالی‌که‌به مصلحت انقلاب...

مسلمانان فیلیپین را ....

... پیش نویس قانون اساسی

فرهنگ استعماری را...

نیمه شعبان

نیمه شعبان روز میلاد امام مهدی علیه‌السلام است، حجتی که در انتظار او اعتراض دائمی پیروانش بر طاغوت‌های زمان و تا سرنگونی کامل نظام شرک جهانی، ادامه دارد، و تا تحقق عینی عدل الهی در جامعه توحیدی.

این روز بر همه بپاخاستگان راه حق مبارک باد.

هفته نامه

شماره ۱۳ چهارشنبه ۲۰ تیر ۵۸

سرچشمه‌های خطر درکجاست؟

و جنگ داخلی بنفع کیست؟ چه کسانی مسئول نابسامانیهای کنونی هستند؟

اکنون همه کسانی که صادقانه برای پیروزی انقلاب مبارزه و فداکاری کرده، سالها از عمر را در جنگ علیه رژیم و در زندانها و تبعیدگاهها یا زیر شکنجه و آزار بسر برده‌اند، عمیقاً نگران سرنوشت انقلاب و دستآوردهایی هستند که در ازای مقاومت و مبارزه یک ملت و شهادت صدها هزار از فرزندان مؤمن و دلاور خلق بدست آمده‌اند.

آنها احساس می‌کنند که خطر هر روز نزدیکتر می‌شود و حلقه محاصره علیه انقلاب تنگ‌تر می‌گردد.

طرحهای دشمن برای ایجاد اختلاف و کشمکش و آشوب و آماده کردن زمینه برای شروع جنگ داخلی، با موفقیّت نسبی روبرو بوده است، گزارشها از نقاط مختلف کشور، گواه براین حقیقت‌اند ــ آرامشی که در نقاط آشوب‌خیز برقرار شده است، بمثابهٔ آرامش قبل از طوفان تلقی می‌شود.

نمیگوئیم که می‌توانستیم وحدت کلمه بین تمامی خلق را حفظ کنیم و نکردیم. نمیگوئیم دشمن باید تسلیم می‌شد و دست از توطئه و تحریک برمی‌داشت و ما را بحال خود می‌گذاشت. نمیگوئیم آمریکا باید دسیسه‌چینی علیه انقلاب ما نمیکرد و مزدوران او ساکت می‌نشستند و پیروزی ما را تبریک و تهنیت می‌گفتند، هر اقدامی که آمریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی و یا مزدوران و وابستگان بدانها علیه انقلاب ما انجام دهند، عادی و قابل پیش‌بینی است. آنها در منطق خود، حق دارند، مزدوران ساواک را بسیج و تربیت و مجهّز سازند و حق دارند نیروهای خودرا در خلیج فارس و اقیانوس هند تقویت کرده ما را تهدید نمایند. حق دارند علیه ما تبلیغات راه بیندازند و با یاری صهیونیستها ــ تصویر مسخ شده‌ای از انقلاب ایران در اذهان مردم جهان ترسیم کنند.

حتی سرمایه‌داران وابسته به‌استعمار خارجی و غارتگران و دزدان بیت‌المال و استثمارگران و همه کسانی که در دوران رژیم سابق، از همه امکانات و تسهیلات برای غارت ثروتهای کشور و بهره‌کشی از زحمتکشان برخوردار بودند، در منطق خود، حق دارند، برضد ما باشند.

ما نمی‌توانیم برای آنها تکلیف تعیین کنیم، آنچه بتوانند و در قدرت داشته باشند برای شکست انقلاب ایران انجام خواهند داد و در این راه با هر مانعی مقابله خواهند کرد.

ما خود مسئول سرنوشت انقلاب هستیم

در مقابل بر ملت و نیروهای آگاه و پیشرو و انقلابی فرض است که هشیار و نگران سرنوشت انقلاب باشند.

ما خود باید مواظب باشیم، پرده غفلت جلوی چشمانمان را نگیرد و از خطری که اطراف سرمان می‌چرخد بی‌خبر نمانیم این تفرقه و جنگ و اختلال و آشوب تنها بسود امپریالیسم است.

توجه همه برادران و خواهران مبارز و دلسوز انقلاب و خلق را به‌این حقیقت جلب می‌کنیم که ادامه وضع کنونی مستقیماً زمینه را برای رشد سریع ارتجاع و استبداد و ظهور یک دیکتاتوری جدید ساخته و پرداخته امپریالیسم، فراهم می‌کند. اگر ما نتوانیم بسرعت و بموقع بر بحران سیاسی و اقتصادی فعلی غلبه کنیم و اگر اوضاع بدست نیروهای مؤمن به‌انقلاب مهار نشود.

استبداد جدیدی رخ می‌نماید و با چهره حق بجانب از همان راه و منطقی که رضاخان به‌قدرت رسید، برما مسلط می‌شود. حوادث بعداز نهضت مشروطه ضعف نیروهای آزادیخواه و انقلابی و اختلاف و درگیریها و جنگهای داخلی، و بحران اقتصادی، بسیاری از مردم را آرزومند یک حکومت مقتدر نمود. تحت‌تأثیر چنان اوضاع نابسامانی مردم هدفهای خودرا از مبارزه و نهضت فراموش کردند، مشروطه و آزادی و قانون زیر فشار آشوب و بحران، فقر و بیکاری و جنگ و نزاع، محو گردیدند و قلدر چکمه‌پوش نوکر صفتی چون رضاخان میرپنج، ناجی ایران معرفی گشت.

زمینه‌های ظهور دیکتاتوری

چه عواملی و کدام نیروها راه را برای روی کار آمدن رضاخان هموار کردند؟ آنها را خوب بشناسیم و آنگاه ببینیم همان نیروها دگربار می‌کوشند تمره

بقیه در صفحه ۲

طرح شوراها بکجا کشید..!؟

بعد از پیروزی انقلاب در سرنگونی رژیم استبدادی، نیروهای مترقی و متعهد به‌مکتب انقلابی اسلام، بنابر اصل حاکمیت مستضعفین و برای استقرار و برقراری نظام قسط اسلام، طرح شوراهای اسلامی را مطرح ساختند. طرحی که از تمرکز قدرت، که لاجرم به‌استبداد می‌انجامد و در اسلام بشدت محکوم شده است، جلوگیری مینماید. و بجای «قدرت»، ارزشها را با شرکت نیروهای مردمی در تصمیم‌گیری و مشورت در امور جایگزین می‌کند. نیروهای مترقی و انقلابی مسلمان که مکتبی می‌اندیشند، از آغاز پیروزی انقلاب تشکیل شوراهای شهر و روستا، کارخانه، اداره، ارتش، دانشگاه و.... را ضامن تداوم انقلاب و پیشبرد کارها در جهت سازندگی انقلابی دانستند. و هر نیروی متعهدی طرحی با محتوائی خاص و مردمی ارائه دادند. از همان آغاز متاسفانه دولت موقت چندان علاقه‌ای به‌انجام این طرحها و پی‌گیری در جهت تحقق آن نشان نداد. تا اینکه با تأیید و تأکید امام خمینی و اعلام امر ایشان در جهت تشکیل شوراها بوسیله مجاهد نستوه آیت‌اله طالقانی طرح شوراها مدتی برای دولت حائز اهمیت شد و در صدر

بقیه در صفحه ۷

سخنی کوتاه پیرامون

جهاد سازندگی

اسلام نظام ارزشها است و انقلاب اسلامی، انقلاب ارزشها، یک مسلمان، انقلاب را تنها در جابجائی قدرت و جایگزینی قدرت جدید نمی‌بیند، بلکه انقلاب بر مبنای نگرش یک مسلمان دگرگونی در ارزشها و جایگزینی ارزشهای نوین است، چه اگر انقلاب را تنها به‌مفهوم جابجائی «قدرت» بدانیم، تغییر بنیادی را تحقق نخواهیم بخشید، بلکه باز همان «رابطه»ها است که در قالب قدرت جدید شکل خواهد گرفت و به‌نظام سلطه‌گر مبدل خواهد شد. انقلاب به‌مفهوم قرآن یعنی تغییر بنیادی در کلیه شئون اقتصادی ــ سیاسی ــ اجتماعی و تغییر در نهادهای ارزشی، و جایگزینی ارزشهای نوینی که «ضوابط» می‌آفریند و این یکی از مهمترین تفاوت‌هائی است که بین انقلاب ارزشی با «نظام قدرت» است. قدرت ایجاد کننده روابط و اساساً تداومش هم بر پایه «رابطه»ها است، ولی ارزش ایجاد کننده «ضوابط» و تداومش هم از «ضابطه»ها و معیارهاست.

انقلاب ایران هم بعنوان یک انقلاب اسلامی، در پی بدست گرفتن قدرت و ایجاد سلطه جدید نبوده و نیست، بلکه بنام اسلام و بعنوان یک انقلاب اسلامی، مبارزه در جهت ایجاد ارزش‌های والائی

بقیه در صفحه ۸

امام خمینی: کارهای خلاف ما، اسلام را بد جلوه میدهد

امام خمینی روز پنجشنبه (۵۸/۴/۱۴) در مدرسه فیضیه قم طی سخنانی خطاب بگروههای مختلف مردم بیان داشتند که:

کوششها شد تا گروه‌های مختلف ملت را بهم بپیوست، جوانان دانشگاهی را با جوانهای روحانی پیوند داد. کارمندان دولت را با بازاری و روحانی و دانشگاهی به‌هم پیوست. این قشرهای مختلف از کارگر تا دهقان و کشاورز و بازاری و روحانی و دانشگاهی همه را بهم پیوستند و به‌هم جوش دادند. زحمت‌های زیاد و کوششهای فراوان شد تا این متفرقات جمع شدند، تا این قطره‌ها دریا شد و این قطره‌های جدا از هم بشکل یک سیل بنیان کن در آمدند و بنیان ظلم و جور و دست‌های اجنبی را از بیخ و بن کندند.

... اگر کمیته‌ها چه آنهائی که در آنها بعضی از معممین هست و چه آنهائی که نیست اگر خدای نخواسته خلاف موازین اسلامی عمل کنند، مکتب ما را شکست میدهند، اگر دادگاههای ما برخلاف موازین اسلامی و عدالت رفتار کنند، مکتب ما خدشه‌دار میشود. اگر پاسدارهای ما که پاسدار جمهوری اسلامی هستند، کاری نکنید که بر خلاف موازین پاسداری باشد، مکتب ما خدشه‌دار می‌شود و این مسئولیت بزرگی است، اگر در آن رژیم شهید میشدیم و شما هم شهید میشدید مکتب جلو میرفت، لکن با اعمال، با کردار، با گفتار، با قلمها، با قدم‌هایمان اگر امروز کاری بر خلاف اسلام بکنیم، مکتب متزلزل میشود، مصیبت بزرگ این است که مکتب از دست برود، مکتبی که انبیاء برای آن و اولیاء برای آن کشته شدند. ملت ایران، بانوان محترم، برادران محترم، بداد اسلام برسید، اسلام امروز امانت است در دست شما، باین امانت خیانت نکنید، روحانی، دانشگاهی، بازرگان، دهقان، کارگر، شهری، دهاتی، عشایر، امروز اسلام در خطر است، اسلام را دریابید کارهای خلاف ما، اسلام را بد جلوه میدهد.

... مبادا با اعمال شما اسلام فراموش شود، با اعمال شما مبادا اسلام دفن شود، اگر دلسوز به‌اسلام هستید، دست از تفرقه بردارید، اگر دلسوز به‌ملت هستید دست از این تفرقات بردارید.

گزارشی از

روستاهای شرق قزوین

بسم رب‌المستضعفین

«الزّرع للزارع و لوکان غاصبا»

بر آنان که دستی، نه از دور، بر آتش واقعیات عینی جامعهٔ ایران دارند پوشیده نیست که روستائیان این کشور یکی از ضعیف‌ترین و تحت‌ستم‌ترین طبقه جامعه ما را تشکیل می‌دهند. حاکمیت چندین قرن نظام ارباب و رعیتی، مناسبات استثماری خاصی را در روستاها تحقق بخشیده است که تحت آن، دهقانان از کمترین حقوق انسانی محروم گشته و در تاروپود این نظام ضد انسانی از مقام جانشینی خدا، که جایگاه واقعی انسان است، تا «رعیت» یعنی بندهٔ مشتی فئودال زالوصفت سقوط کرده‌اند.

برگ برگ تاریخ گذشتهٔ ما از زمانهای دور بیانگر ستم و ظلم ناروائی است که براین طبقه، که بیش از نیمی از جمعیت کشورمان را تشکیل می‌دهند، رفته است.

روستا از دیرگاه مرکز تولید و برآوردن نیازهای مادی جامعهٔ ایرانی بود و تا قبل از «اصلاحات ارضی» شاهانه بخش اعظمی از مایحتاج کشور را تأمین می‌نمود و بدین ترتیب در دایرهٔ مناسبات اقتصادی کشور مقام خاصی را دارا بود.

ظهور جنبش‌های رهائیبخش ملی که بسرعت از پشتیبانی روستائیان برخوردار گشته و به‌پیروزیهائی رسیده بودند، در اواخر دههٔ ۴۰ و سالهای دههٔ ۵۰ تا اوائل دههٔ ۶۰، امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا را برآن داشت تا با استفاده از تجربیاتی که قبلاً در همین رابطه در ژاپن، فیلیپین و غیره کسب کرده بود، دست به‌ایجاد تغییرات و «اصلاحاتی» در روستاهای کشور ما بزند. همینجا ذکر این نکته ضروری است که در ریشه‌یابی و یافتن علل این «اصلاحات» اگر به‌همین مختصر بسنده کنیم، نامی جز ساده‌اندیشی براین کار نمی‌توان نهاد. به‌بیان دیگر، اصلاحات ارضی آمریکائی

بقیه در صفحه ۵

گزارشی از

”جلسه بحث آزاد پیرامون قانو ن اساسی“

دومین جلسه بحث آزاد درباره قانون اساسی، به‌دعوت جنبش مسلمانان مبارز، در روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه ادامه یافت. در ابتداء جلسه سئوالات مطرح شده در جلسه اول قرائت گردید و سپس پاسخگوئی و بحث پیرامون قانون اساسی و کلیاتی که بعنوان اصول باید در قانون اساسی مطرح شود، بوسیله سخنرانان مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت. در پاسخگوئی به‌سئوالات جلسه قبل، پیرامون اصل حاکمیت و چگونگی طرح آن در قانون اساسی بحث شد، آقای دکتر پیمان بعنوان اولین سخنران، چگونگی حاکمیت الله را و رابطه‌اش را با حاکمیت مستضعفین و مسئله حاکمیت ملی و امامت مستضعفین را بررسی نمود. در ادامه بحث دکتر پیمان گفتند: «در اسلام حاکمیت روی اصول است، نه طبقه و گروه بنابراین هر قشر و فردی هم که مسئولیتی بدست می‌گیرد نه به‌صفت مشخص فردش بلکه به‌عنوان مجری یک اصولی ما برای او ارزش قائل می‌شویم و تا زمانیکه در خط اصولی حرکت می‌کند... این است که ما طبقه را مطلق نمی‌کنیم... آنهم دلیل داشت، نمی‌گوئیم مستضعفان مطلق چنین شایستگی را دارند، بلکه مستضعفانی که مؤمن به‌اصولند..» در ادامه بحث حاکمیت، به‌اصل دومی که از نظر چگونگی طرح آن در قانون اساسی اهمیت خاصی دارد، یعنی مساله «مالکیت» مطرح شد، آقای دکتر پیمان در بحث پیرامون مالکیت در اسلام، از آیات قرآن درباره «خدا مالکی» شاهد آورد و مالکیت الله را از زبان قرآن بیان داشتند و سپس به‌تعریف مالکیت و ارزش کار در اسلام بحث نمودن.

سخنرانان دیگر نیز پیرامون همین اصل و مساله استثمار و امپریالیسم و همچنین نقش ارتش نظرات خویش را بیان نمودند. «مشروح این بحث‌ها در فرصت مناسب از نوار استخراج شده و در گزارشی کامل خواهد آمد».

جلسات بحث آزاد در این هفته هم ادامه خواهد یافت، و به‌اصول مطروحه در قانون اساسی و در کیفیت یک قانون اساسی بیانگر خواستهای انقلاب بحث خواهد شد.

گزارشی از کارخانه گروه صنعتی شهریار.

خلاصه‌ای از یک گزارش تلفنی توسط یک برادر کارگراز اهواز

دره کیلومتری جنوب اهواز دهکده‌ای بنام ملاشیه قرار دارد. در دو یا سه کیلومتری این دهکده کارخانجات نورد که ازمجموعه چندین کارخانه از قبیل نورد ایران، صنایع فلزی، پولادسازی لوله‌سازی و .... در زمینی به‌مساحت چندین هکتار احداث شده. این مجموعه در سال ۱۳۴۵ بدست نامبارک شاه عاری از مهر افتتاح گردیده و یکی از سرسپردگان و نوکرصفتان این خاندان کثیف یعنی علی رضائی بسمت مدیر عامل این کارخانه منصوب شده. رضائی این عنصر ضد کارگر و ضد اسلام در زیر سایه شوم خاندان پهلوی توانست با ارعاب و وعده‌های توخالی حد اکثر استفاده را از کارکنان این مجتمع بدست بیاورد این شخص متأسفانه توانست در اوایل انقلاب از کشور فرار کند.

برای اطلاع از کیفیت کار کارگران میبایست بمیان آنان رفت و دید این زحمتکشان غیور چگونه با آهن و آتش ۸ ساعت را می‌گذرانند بطوریکه غذای خود را نیز در کنار کوره‌های آتش می‌خورند

بقیه در صفحه ۷

مباحث ایدئولوژیک

دکتر حبیب‌اله پیمان

مدینةالرّسول

اصول پایه جامعه توحیدی

انقلاب ایران، اسلام و مسلمین را در برابر یک آزمایش بزرگ تاریخی قرار داده است. آزمایشی که طی آن باید دعویهای خود را اثبات کنند و حقانیت و درستی آرمانهای تاریخی را در عمل به‌اثبات رسانند ــ سیزده قرن مبارزه مستمر توده‌های ستمدیده مسلمان، اکنون وارد مرحله نوینی می‌شود، ایدئولوژی اسلامی یک مرحله دشوار از نقش تاریخی خود را با افتخار و پیروزی پشت سر می‌گذارد، مرحله‌ای که طی آن اسلام و مسلمین بیدار و آزاده نشان دادند که پیشروتر و مؤثرتر از هر عاملی و نیروئی قادراند با تثلیث استعمار، استبداد و استحمار نبرد کنند و پیروز شوند توده‌های میلیونی مسلمان، در هر مرحله و موقعیت ندای مبارزان مسلمان را پاسخ مثبت دادند و با پیروی از روش پیشوایان مذهبی، سنّت مقاومت در برابر ظلم و مبارزه با ستمگر و پیکار برای احیای عدل و توحید را در نیکوترین وجه و بالاترین مرتبه، زنده می‌کردند. حکومتهای جبّار، خلفا و سلاطین ستمگر و مستبد و نظامات طاغوتی و در چند قرن اخیر استعمار اروپائی و امریکائی، بزرگترین موانع راه استقرار حکومت اسلامی و نظام توحیدی به‌شمار می‌رفته‌اند. از این‌رو فوری‌ترین هدف جنبش‌های آزادیبخش ملل مسلمان بخصوص در یک قرن اخیر ریشه‌کن ساختن نفوذ و قطع سلطه استعمار خارجی و امپریالیسم، محو حکومت استبدادی و مبارزه با فرهنگ استحماری بوده است. زیرا تا این سه عنصر پلید شیطانی وجود دارند، برقراری نظام اسلامی ممکن نیست ــ بهمین دلیل از آغاز نهضت بیداری مسلمین و

بقیه در صفحه ۲

«اطلاعیه»

جنبش مسلمانان مبارز به‌پیروی از رهنمودهای رهبر انقلاب امام خمینی دایر بر اهمیت «بحث و اقناع» درباره قانون اساسی برنامه بحث آزاد پیرامون طرح قانون اساسی را در روزهای پنجشنبه از ساعت ۶ الی ۸ بعد از ظهر اعلام میدارد.

از همه خواهران و برادران متعهد به‌انقلاب مکتبی، برای شرکت در این جلسات دعوت می‌شود تا با بحث و روشن شدن مسائل به‌تداوم انقلاب اسلامی یاری بخشیم.

محل جلسات = خیابان بهار شمالی، خیابان نامجو، دفتر هفته نامه امت

جنبش مسلمانان مبارز

۵۸/۴/۲

با خلع‌ید از سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم را بزانو در آوریم

بقیه از صفحه ۱

سرچشمه‌های خطر در کجاست؟

فداکاری و جهاد ملتی را بر باد دهند و انقلاب را در مسلخ یک دیکتاتوری و استبداد جدید، ذبح کنند.

هدفهای انقلاب ایران روشن است، محو سلطه امپریالیسم و قطع ایادی آن از سرنوشت سیاسی ـ اقتصادی و فرهنگی کشور و برقراری یک نظام آزاد و عادلانه و بر پایه برادری و برابری که ملهم از مکتب رهایی‌بخش اسلام است.

چگونه ضد انقلاب را بشناسیم؟

دشمنان اصلی انقلاب را از عملکرد آنها می‌توان شناخت و سرچشمه‌های خطر را با دنبال کردن مسیر حرکت جریان آب می‌شود پیدا کرد:

آنها که در راه رشد نهادهای انقلابی مانع‌تراشی می‌کنند آنها که مزدوران رژیم را پناه می‌دهند و یا سنگر دفاعی برای سرمایه‌داران، مالکان و دزدان فراهم می‌کنند آنها که ترس و وحشت می‌آفرینند و می‌خواهند چوب و چماق را بجای منطق و عقل سلیم بنشانند، آنها که با طرح و تبلیغ شعارهای انحرافی یا بی‌اهمیت و فرعی، شعار و هدف اصلی انقلاب را از دیده‌های مردم پنهان می‌کنند و با جنجال و آشوب مردم را از توجه به‌دشمنان اصلی و خطرهای فوری که متوجه انقلاب اسلامی ایران است، بازمی‌دارند، آنها که با اعمال غیرمنطقی و غیراصولی و یا با دفاع و همراهی با دشمنان مردم ـ مفسدین، کارخانه‌داران، مالکان اراضی و دیگر دزدان بیت‌المال آبروی انقلاب و اسلام را می‌برند و از محبوبیّت آن می‌کاهند، بخواهند یا نخواهند، بدانند یا ندانند، به‌انقلاب و به‌اسلام آسیب می‌رسانند.

با شما برادران جوان هستیم

جوانان صادق و دلسوز ما بدانند که انقلاب و مکتب نجات‌بخش آن اسلام در معرض یک آزمایش سخت قرار گرفته است. اگر می‌خواهند به‌آن خدمت کنند و آنرا از دستبرد دشمنان حفظ نمایند راهش ایجاد جنجال و آشوب و جنگهای تبلیغاتی و روانی نیست.

اگر امروز جمهوری اسلامی برقرار است، دلیل آنرا در پیشتازی مبارزان مسلمان در صحنه پیکار با رژیم پهلوی جستجو کنید.

اگر اسلام به‌عنوان ایدئولژی و مکتب حاکم بر انقلاب و نظام جمهوری مورد تایید و حمایت میلیونها از مردم ایران است ـ دلیلی جز این ندارد که در مبارزه با ظلم و ستم و در جهاد با باطل و هدایت خلق بسوی آزادی و عدالت، از تمام مکاتب و ایدئولژیهای دیگر ـ پیشروتر بوده است.

برادران و خواهران ـ این تجربه گرانبهای اجتماعی را از یاد نبریم و اگر همچنان عاشق و دلسوز خلق و اسلام هستیم تحت‌تأثیر تحریکات و اغوای عوامل ارتجاع و فرصت‌طلب قرار نگیریم. مبارزه با دشمن را تا پیروزی نهایی ادامه دهیم.

مبارزان مسلمان در مبارزه با رژیم پهلوی پیشقدم و پیشتاز و سرسخت و آشتی‌ناپذیر و مجهز به‌سلاح ایمان و عقیده بودند و لذا موفق شدند. اکنون چه عواملی سدّ راه استقرار جمهوری اسلامی و نظام قسط و عدل‌اسلامی هستند؟ چه کسانی مانع حرکت بسوی جامعه توحیدی می‌باشند؟

چه خطری بالاتر از امپریالیسم خونخوار امریکا و مزدوران آن وجود دارد؟

آیا دشمنی فوری‌تر از مفسدین و سرمایه‌داران دزد و خائن و مزدور استعمار داریم؟

ـ هر اقدامی که آمریکا و سایر قدرتهای امپریالیستی و یا مزدوران و وابستگان بدانها علیه انقلاب ما انجام دهند، عادی و قابل پیش‌بینی است.

ـ ادامهٔ وضع کنونی مستقیماً زمینه را برای رشد سریع ارتجاع و استبداد و ظهور یک دیکتاتوری جدید ساخته و پرداخته امپریالیسم، فراهم میکند.

ـ جوانان صادق و دلسوز ما بدانند که انقلاب و مکتب نجات‌بخش آن اسلام در معرض یک آزمایش سخت قرار گرفته است.

ـ بجای حرکت در خط اصولی و رعایت معیارهای مکتبی و مصالح انقلاب تحت تأثیر انگیزه‌های گروه‌گرایی و جزمیت حزب و دسته و سازمان، آتش نفاق و چند دستگی را شعله‌ور می‌سازند.

پس همه نیروی خودرا متوجه دشمن اصلی بکنیم و در مبارزه با ظلم و بیعدالتی همانقدر پیشرو باشیم که در مبارزه با رژیم پهلوی بودیم.

وظایف بزرگ کنونی ما غلبه بر نظام فساد اداری و ظلم و ستم اقتصادی و فرهنگ استعماری است. ما به‌انقلابات بی‌دریی و تازه‌ای نیازمندیم، انقلاب علیه استثمار، رباخواری و دزدی و خیانت، انقلاب علیه بورس‌بازان زمین، علیه سرمایه‌داران دزد وابسته به‌سرمایه‌داران بین‌المللی انقلاب علیه کسانی که حق خدادادی دهقانان را زیر پا گذاشته اراضی آنها را غصب کرده‌اند انقلاب علیه نظام استبدادی حاکم بر ارتش، شهربانی و ژاندارمری.

انقلاب علیه خصلت‌های غیرتوحیدی که بر افکار ما عواطف و اعمال ما حاکم است انقلاب علیه خودخواهیها، جاه‌طلبی‌ها و سودجویی و استثمار و تنبلی و تن‌پروری، شخصیت‌پرستی و فرقه‌گرایی.

معلول را بجای علت نگیریم

اگر بجای مبارزه با این موانع اصلی و دشمنان خودی انقلاب به‌آنچه معلول است بپردازیم، بدون تردید به‌هدف نمی‌رسیم و دشمن از ما جلو می‌افتد و اسلام و مسلمانان عقب می‌مانند.

در دوران رژیم پهلوی ـ بعضی جوانان مسلمان از روی ایمان و خلوص نیّت همه نیروی خودرا صرف مبارزه با فرقه بهائیت می‌کردند و دشمنی بزرگتر از آن برای خدا و خلق نمی‌شناختند ـ بآنها می‌گفتیم که فرقه مزبور معلول سلطه استعمار و استبداد و رژیم فاسد پهلوی است. و تا ریشه در خاک است مبارزه با شاخ و برگ بی‌نتیجه است. شما بجای ائتلاف فرصت و نیرو به‌دشمن اصلی به‌سرچشمه بدبختیها، و منشاء اینگونه فرقه‌های ضد ملّی و ضد حق بپردازید. وقتی ریشه فساد قطع شود، برگها و شاخه‌ها هم خشک شده فرو می‌ریزند، بسیاری از این جوانان آنروز استدلال مارا نمی‌پذیرفتند. اما امروز شاهد درستی آن هستند. می‌بینند که با درهم شکستن استبداد پهلوی و قطع سلطه استعمار همه عوامل وابسته و معلول استعمار و رژیم فاسد گذشته در حال نابودی هستند. آنروز کافی بود به‌مردم و به‌جوانان نسبت به‌نقش اینگونه عوامل و فرقه‌ها هشدار داده شود همین و بس، و همه نیروها متوجه دشمن اصلی گردد ـ رمز پیروزی ما بر شاه و رژیم او در وحدت عمل بود وحدت در مبارزه با دشمن اصلی ـ اگر فریب وسوسه‌ها و تحریکاتی را می‌خوردیم و هر گروه و دسته‌ای از مردم بیک هدف فرعی مشغول می‌شد هرگز موفق نمی‌شدیم.

امروز باید هدف اصلی را بشناسیم و باز هم همه نیروی خودرا متوجه آن سازیم ـ اگر چنانکه مشاهده می‌شود هر دسته و گروهی خطرهائی را که معلول وجود دشمن اصلی است. هدف قرار دهد و بجای مبارزه مشترک با آن ـ به‌مسایل جنبی یا شخصی و گروهی و حزبی خویش مشغول شویم ـ مسلماً شکست می‌خوریم نقش پیشتازی را از دست می‌نهیم و همانها که دشمن می‌پنداریم ـ بر ما سبقت می‌گیرند.

وحدت عمل برای هدف مشترک

ما احتیاج به‌وحدت عمل در مبارزه با خطر امپریالیسم امریکا و عوامل وابسته بدان یعنی سرمایه‌داران، مزدوران، مالکان و شیوخ و خواتین دست‌نشانده و خائن، مرتجعین همدست و همراه با این عوامل داریم.

باید همه نیروی خودرا برای حفظ دستاوردهای انقلاب حفظ آزادی و حاکمیت مردم و جمهوری اسلامی ـ بکار بریم. دشمن می‌خواهد آزادی را از ما بگیرد و استبداد تازه‌ای بر ما تحمیل کند، چگونه؟ با دامن زدن به‌تفرقه و آشوب و جنگهای داخلی و فرقه‌گرائی، با دامن زدن به‌بحران اقتصادی و بیکاری و فقر و نارضایتی.

هر کس و هر گروه و حزب و دسته که با تشدید آشوبها زمینه سلطه فاشیسم و استبداد را فراهم می‌کند، یا مانع از بازسازی اقتصاد ورشکسته فعلی می‌گردد یا از اصلاح نظام اداری و ارتشی و انتظامی جلوگیری کرده ـ بر حفظ نهادهای کهنه استبدادی پافشاری می‌نماید هر کس مانع از خلع ید قطعی از سرمایه‌داران دزد، مالکان و رباخواران و مفسدین می‌گردد و در هر لباس، در هر موضع، تحت هر عنوان، ضد انقلاب و ضد اسلام است. بجای متهم ساختن یکدیگر و تضعیف نیروهای انقلابی جامعه بجای بزرگ کردن مسایل کم‌اهمیت و اصلی کردن، امور فرعی و در نتیجه انحراف ذهن عموم از مسایل حیاتی، مبرم‌ترین مسایل انقلاب و مسئولیتها را طرح و مورد بحث قرار دهیم.

وظیفه اصلی ما چیست

به‌تو برادری که همه‌جا شعار مرگ بر کمونیسم را مطرح می‌کنی می‌گوییم، کمونیسم نه با شعار دادن تو نفی می‌شود و نه با شعار ندادن، اثبات می‌گردد، رشد و نابودی آن به‌عملکرد تو تحقق خواستهای مردم و پیروزی بر دشمنان خلق بستگی دارد.

پیش از پیروزی بر رژیم کسی شعار مرگ بر کمونیسم نمی‌داد ـ و دیدیم که کمونیسم از صحنه محو می‌شد و کمونیستها به‌تعداد اندکی تقلیل یافتند زیرا نیروهای مسلمان در مبارزه با رژیم پیشگام بودند و اسلام پرتری خودرا در منطق و استدلال و در انسجام و هماهنگی و در حلّ مسایل انسانی، ثابت کرد و مسلمانان پرتری خودرا در مبارزه جنونی و مقاومت و ایمان و فداکاری و جهاد اثبات کردند. و شما برادران دیگری که بجان هم افتاده یکدیگر را در مظان اتهامات سخت و ناروا قرار میدهید و برخلاف نصّ «لاتقف مالیس لک به‌علم إنّ السمع والبصروالفواد کل اولئک کان عنه مسئولا» قبل از بررسی درست و بی‌غرضانه مسئله، برادرت را به‌خیانت متهم می‌کنی، درحالیکه ممکن است عمل ارتکابی حداکثر در حد یک خطا و ساده‌انگاری ارزیابی شود.

ضرورت مبارزه با جزم‌گرائی

بجای حرکت در خط اصولی و رعایت معیارهای مکتبی و مصالح انقلاب تحت‌تأثیر انگیزه‌های گروه‌گرایی و جزمیت حزب و دسته و سازمان، آتش نفاق و چندستگی را، شعله‌ور می‌سازید و غافل از بحران خطرناکی که هم‌اکنون دامنگیر نهضت انقلابی خلق مسلمان شده است، جنجال و آشوب بپا می‌کنید، باید مسئولیت سنگینی که در این لحظات حساس بر دوش همه ما سنگینی می‌کند بیاد آوریم. و متحد بر خط حرکت اصولی و فشرده در مقابل دشمن اصلی و یک پارچه در پشت‌سر رهبری انقلاب از دستآوردهای جنبش حراست کرده و ارابه انقلاب را قدم به قدم به‌پیش برانیم و موانع را یک یک از سر راه برداریم.

آری برادران و مبارزان صادق و صمیمی، اصول و ارزشها را پاسداری کنیم اگرچه بر ضد ما و علقه‌های گروهی ما باشد و توصیه‌های امام خمینی دائر بر حفظ وحدت در برابر دشمن مشترک و نصایح آیت‌اله طالقانی را دائر بر پرهیز از گروه‌پرستی و فرقه‌گرایی بجان خریدار باشیم.

والسلام

«مسلمانان فیلیپین را فراموش نکنیم»

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی در نبرد علیه رژیم دیکتاتوری شاه و پشت سرگذاردن مرحلهٔ اوّل جهاد ضد امپریالستی‌اش، همچون ستارهٔ درخشانی در ظلمت حاکمیت فرعونیان و امپریالیستها، شروع بدرخشیدن کرد و چشمان میلیونها نفر از ستم دیده‌گان اسیر را در سراسر جهان بسوی خویش جلب نمود و قلبها را از امیدی نو که نوید رهائی میداد سیراب کرد.

انقلاب ایران در شرایطی رژیم شاه را سرنگون کرد و راه مبارزهٔ ضد امپریالیستی را برای نیروهای اصیل انقلابی ضد کفر و استثمار و طغیان هموار کرد که پاسداران قدیمی دژهای «انقلاب» و انقلابی‌گری در بازار رقابتهای جهانی هر روز امتیاز تازه‌ای به‌ضد انقلاب جهانی می‌دهند و بر سر «مصالح عالیه» انقلاب‌شان، نهالهای حرکت و جنبش را در مناطق پرآشوب جهان می‌خشکانند. انقلاب ایران در شرایطی به‌انقلابیون راستین جهان راه می‌نماید که بازار ۸۰۰ میلیونی چین به‌روی کالاهای ساخته شدهٔ غرب باز گشته و اضافه تولید غرب را در هیئت کوکاکولا و جت‌های «هاریت» انگلیس و غیره می‌بلعد و بدینسان امپریالیسم و سرمایه‌داری را از بحران می‌رهاند انقلاب ایران در شرایطی نور امید در دل مستضعفین جهان می‌دماند که انقلابیون ارتیره فدای «مصالح استراتژیک انتر ناسیونالیستهای پرولتاری کرملین نشین می‌شوند. و...

بله انقلاب ایران تنها یک واقعه محدود به‌چهار دیواری مرزهای این مرز و بوم نیست و نباید باشد. انقلاب ما و مکتب دمندهٔ آن یعنی اسلام، امروز بعنوان یک «راه سوم»، پس از افول ستاره‌های قدیم «انقلاب»، در جهان مطرح است. و ما نسلی هستیم که باید حیثیت و شرف جهانی این ایدئولوژی را پاسدار باشیم و دینامیسم و پویائی آنرا که همواره در سیمای ابوذرها و علی‌ها و یا سرها و حنیف‌ها و ...حفظ شده و با خط سرخ خون شهیدان از ۱۴ قرن پیش به‌ما رسیده است، به‌جهانیان عرضه کنیم. این رسالت سنگین و پر مشقّتی است که بر دوش نسل ما و همهٔ انسانهای مسئول سنگینی می‌کند و هرگونه تعلل و سهل انگاری در اجرای آن، نه ما و نه نسل ما و نه کشور ما که مکتب ما را بزیر سئوال می‌کشد. و این همان فاجعه‌ای است که امام هم بارها در سخنرانی‌هایشان نسبت بدان هشدار می‌دهند. متأسفانه دولت موقت، در برابر جنبشهای رهائیبخش مستضعفین جهان تاکنون عکس‌العملی را که در خور ماهیت انقلاب اسلامی ایران باشد، انجام نداده است.

هنوز صدای برادرمان «نوری مسواری» رهبر جبهه آزادی بخش مسلمانان فیلیپین در گوشمان طنین‌انداز است که می‌گفت «دولت جنایتکار مارکوس به‌همکاری امپریالیسم و صهیونیسم بیش از ۹۰ هزار نفر از خواهران و برادران مسلمانان را در جنوب فیلیپین قتل عام کرده و ۵۳۷ مسجد و ۷۰۰ مدرسهٔ اسلامی را به‌آتش کشیده است. و جنگ هنوز باشدت بیشتری ادامه دارد. مگر پیشوای ما نگفت که «دشمن ظالم باشید و یاور مظالم»، پس چطور می‌توان این جنایتها را دید و در مقابل دم فرو بست؟ آنهم از جانب دولتی که ادعای نمایندگی انقلاب اسلامی و پشتیبانی از مستضعفین را دارد. چطور می‌توان در مقابل اینکه هیچگونه کمکی به‌مسلمانان فیلیپین نمی‌کنیم به‌رژیم جنایتکار مارکوس نفت فروخت تا چرخ تانکها و توپها و هواپیماها جنگنده‌اش را در جهت قتل عام مسلمانان جنوب فیلیپین به‌حرکت درآورد؟ برای پی‌بردن به‌اهمیت فروش نفت به‌رژیم مارکوس کافیست یکبار دیگر به‌سخن برادرمان «نوری مسواری» دقت کنیم: «ما خواستار شدیم که دولت مسلمانان ایران در روابط خود با دولت وابسته مارکوس تجدید نظر به‌عمل آورد، بخصوص در رابطه با فروش نفت به‌فیلیپین، چون علیرغم اینکه ارتش فیلیپین مقدار زیادی اسلحه از آمریکا، ژاپن و صهیونیستها دریافت می‌کند **امّا بدون نفت دولت وابسته مارکوس قادر به نابود کردن مسلمانان نخواهد بود.**»

ما بنا بوظیفه انسانی و اسلامی خود ناچاریم به دولت موقّت و مقامات مسئول توصیه کنیم که به‌هشدارهای امام و معیارهای ایدئولوژیک خود بخاطر حفظ حیثیت مکتب و انقلاب اسلامی ایران، توجه کند و در روابط خود با رژیم جنایتکار مارکوس تجدید نظر کرده و فروش نفت را به‌فیلیپین که بقول آیت‌الله صدوقی «حرام مطلق» است، قطع کند.

«الذین یبلغون رسالات‌الله و یخشونهٔ ولایخشونه احداً الاالله و کفی بالله حسیباً. احزاب ۴۰

برای آنانکه رسالات خدایی را تبلیغ می‌کنند و در این راه هیچ ترسی جز ترس از خدا بدل راه نمی‌دهند، حسابرسی الله کافی است.

بقیه از صفحه ۱

اصول پایه جامعه توحیدی

شروع جنبشهای ضد استعماری و ضد استبدادی، بیشترین همّ پیشوایان نهضت و متفکران مجاهد صرف بیدارکردن وجدان اجتماعی و شعور مذهبی توده‌ها و احیای سنّت مبارزه و مقاومت و جهاد و شهادت، می‌گردید. سید جمال‌الدین نمونه برجسته و آغازگر این تلاش عظیم بود ـ هنوز فریاد نیرومند وی که ملیونها مسلمان سراسر جهان را به‌بیداری و مبارزه در برابر استعمار خارجی و حکومتهای فاسد و ستمگر داخلی و به‌اتحاد و برادری دعوت می‌کرد، در فضای سراسر سرزمینهای زیر سلطه استعمار و استبداد طنین‌افکن است. و سرانجام ادامه راه او توسط رهبران مبارز مذهبی و نیروهای پیشرو و توده‌های پیکارجو، یکی از بزرگترین پیروزیهای تاریخ معاصر را نصیب ملت ما کرد

یا محو کامل نفوذ و سلطه امپریالیسم بر کشور ما، راه برای پی‌ریزی نظام توحیدی هموار می‌گردد.

انقلاب ایران برای اولین‌بار استقرار حکومت اسلامی را هدف مکتبی خود قرار داد.

اکنون خلق مستضعف ما که دشمن تاریخی خود، استبداد را شکست داده است و مراحل مبارزه با امپریالیسم را می‌گذراند در انتظار تحقق وعده‌های دیرین مکتب و انقلاب است.

اکنون پیشتازان انقلاب در برابر مسئولیت بزرگ تغییر نظام و پایه‌گذاری نظام توحیدی قرار گرفته‌اند.

گذشت چهارده قرن از انقلاب توحیدی پیامبر اسلام و حاکمیت روش جباران و سلطه طبقات استثمارگر بر ممالک مسلمان‌نشین و مسخ و تحریف تعالیم حیات‌بخش اسلام و تلاش صاحبان پول و زور برای توجیه شرعی مناسبات ظالمانه و ضد توحیدی، حجابی بین اسلام راستین و مکتب حیات‌بخش آن و معلومات و برداشتهای ما از مکتب بوجود آورده است.

اکنون ضرورت زنده کردن سنت پاک پیامبر و شیوه حکمرانی او و پیشوایان بزرگ اسلام بیش از هر موقع دیگر احساس می‌شود بدون شناخت درست و اصیل اصول مکتب و بدون داشتن تصویر زنده و روش از نظام توحیدی ـ نمی‌توان در این راه جلو رفت.

قرآن این منبع لایزال معرفت و هدایت که علیرغم انبوهی دشمنان و بیشماری توطئه‌ها و خیانت‌ها از هر نوع تحریف و دست‌خوردگی مصون است، مرجع اصلی ما در شناخت اصول اساسی جامعه توحیدی است

و سنت رسول خدا که تحقق عینی اصول قرآنی است و منبع اصیل دیگر در شناخت اصول و موازین نظام اسلامی می‌باشد پیامبر. در همه جا و در همه احوال مظهر و مثل اعلای مکتب بود رفتار خصوصی و شیوه زمامداری و امامت و کشورداری و آنچه فرمان داد و بمرحله اجرا در آورد و نهادهایی که بنیان گذاشت، همه مظاهر عملی و عینی اصول قرآن‌اند ـ هیچ مرجع و سرمشقی بهتر از وی نمی‌تواند ما را به‌چگونگی تحقّق عینی مکتب در صحنه عمل آشنا سازد پیامبر اسلام در سالهای اقامت در مدینه ـ اساس یک جامعه توحیدی را پی‌ریزی فرمود ـ مدینه اولین شهری بود که بوسیله مجاهدان مسلمان برهبری رسول خدا، آزاد گردید و اولین جامعه‌ای بود که اصول مکتب در آن پیاده شد.

آنچه در سالهای اقامت پیغمبر در مدینه اتفاق افتاد باید به‌عنوان بزرگترین آزمایش تاریخ تلقی شود ـ اسفناک که نه فقط بشریت دردمند و مشتاق آزادی و عدل از این واقعه عظیم بی‌اطلاع است که ما مسلمانان آرزومند حکومت اسلامی هم درباره آن بسیار کم می‌دانیم.

رسول خدا، نمونه‌ای واقعی از مدینه فاضله‌ای که برای بشریت خواب و خیالی پیش نبود، عرضه کرد.

بشر از همانوقت که با ظلم و تجاوز سلطه و تبعیض محرومیت و بردگی آشنا گشت، خواهان عدل و برادری و برابری بوده است.

پیامبر اسلام این آرزوی جاودانه بشر را در مدینه جامه واقعیت پوشاند.

آفتاب برادری و برابری در مدینه طلوع می‌کند

نمونه‌ای از جامعه آزاد و انسانی که همه افرادش در یک رابطه برادرانه و فارغ از هر انگیزه سودجوئی، برتری‌طلبی و فزون‌خواهی زندگی کنند، جز در مدینه عصر پیامبر و در بین مسلمین بوجود نیامده است.

با آمدن مهاجرین به‌مدینه و پیوستن به‌گروه انصار (مسلمانان ساکن یثرب)، جامعه و امت جدیدی پا بعرصه وجود گذاشت

مهاجرین دست خالی و بدون اندک توشه و ساز و برگی در حال فرار از مقابل دشمن به‌یثرب که اکنون مدینه‌الرسول نامیده می‌شود، هجرت کردند ـ عمده آنان در مکه هم از مال دنیا بی‌نصیب بودند ـ انصار برادران مهاجر خود را با آغوش باز پذیرفتند و به‌فرمان پیامبر در خانه‌های خویش پناه دادند بر طبق همین فرمان‌ها که از وحی الهی الهام می‌گرفت، آنان را در خانه و مال و لوازم زندگی خویش شریک و سهیم گرداندند و بین مسلمین که تدریجاً بر تمامی شهر مدینه مسلط می‌شدند و آنرا از زیر یوغ نظام طبقاتی جاهلیت آزاد می‌ساختند مناسبات برادرانه‌ای حکمفرما می‌گردید.

مؤمنان از زن و مرد برادر و چون دندانه‌های شانه برابر شناخته شدند.

از این پس حساب مومنان مقیم در مدینه از دیگر مردم عرب و حتی مسلمانان خارج مدینه جدا گردید ـ لازمه عضویت در امت تنها تسلیم در برابر اسلام نبود، بلکه ایمان و آگاهی به‌اصول مکتب و آمادگی برای

بقیه در صفحه ۷

نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

دربارهٔ پیش‌نویس قانون اساسی

با آنکه نمیتوان ازین مسأله اساسی که آیا شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کنونی ما، اجازهٔ طرح و تصویب قانون اساسی را می‌دهد یا خیر بسادگی گذشت ارجح آنست که سخن در اینجا بـه نـقد و بـررسی پیش‌نویس آن محدود گردد. آنچه مسلّم است در شرایطی که هنوز ریشه‌های شجره کهنسال استبداد خشک نشده و سرمایه‌داری بین‌المللی همچنان قامتش راست ایستاده و شبکه‌های استثماریش در ایـران عملاً نـابود نگشته بسیار دشوار است بپذیریم که بررسی و تصویب قـانون اساسی ــ طبق هر آئینی که میخواهد باشد ــ موقعیّت و ضرورت دارد. تنها پس از جایگزینی نسبی ارزش‌های نو اسلامی و نُمود فرهنگی انقلابی است که میتوان گفت شرایط اجتماعی برای استقرار حقوقی دستاوردهای انقلاب فراهم شده است.

گفتن ندارد که وقتی ملّتی برای تغییر اجتماعی ــ اقتصادی محیط، به فرهنگ پرغنای اعتقـادی خـویش بـازگشت کـند و انـقلاب اجتماعی‌اش بـر اساس انگیزه‌های ایدئولوژیک اسلامی راه پـیروزی را درنوردد، تنها آن چهارچوبی را می‌پـذیرد. کـه تـداوم دستاوردهای انـقلاب او را تضمین نـماید. اینست کـه می‌بینیم با اکثریت قاطع، نظام جمهـوری اسلامـی را نـه فقط قبول می‌کند بلکه می‌طلبد.

قدرت جانشین، پس از پیروزی انـقلاب، مسئولیت سنگینی را در پیاده‌کردن ارزش‌های نـو بـعهده دارد. مسئولیت تضمین خواستهای مکرّری که پشتوانـه‌شان خون هزاران انسان آرزومند است. امّا وقـتی انـقلاب داعیهٔ اسلامی پیدا کند و رهبری چهرهٔ برجسته اسلامی دارد، مسئولیت رهبران و هیأت تصمیم‌گـیرنده ــ موقّت‌بودنش هیچ چیزی را عوض نـمیکند ــ حصار خواستهای ملّی را می‌شکند و رسالتی بـین‌المللی می‌یابد. چرا کـه رنگ ایدئولوژیکی دارد. جهـان‌بینی توحیدی‌اش بـه قـلمروهای سرزمـینی اکـتفا نکرده، رسالتی جهانی را بر دوش می‌کشد. اینجا دیگر تـأمین و تضمین آرمانهای ملّی که در دو واژهٔ زیبای استـقلال و آزادی لباس شعار بـرخود پوشیده و در تـوفان آتش و خون و در گرماگرم صفیر خشک گـلوله‌های دشمن، بـا تمام وجود فریاد زده شده نیز چهـارچوب انـتخابی قربانیان انقلاب را که جمهوری اسلامی بود پر نـمیکند. پیام خون شهیدان حماسه‌ای است که بر بام دنـیا دکـلمه می‌گردد. دشمن و دوست می‌خـواهد بـبیند کـه چگونـه الگوئی بمثابه فرزند انقلاب تولّد خـواهد یـافت. دشمن برای عیب‌جوئی و دوست برای اقتباس.

بنابراین، گزیری نیست که چهارچوب حقـوقی کـه برای بـیان انـقلاب سیاسی و اجتماعی اسلام در ایـران ارائه می‌گردد، با احساس مسئولیت بسیار شدیـد تـنظیم شود؛ باین معنی که باید آئینهٔ تمام‌نمای نبوّت محمّدی و امامت علوی بوده و بـاتوجه بـه اصل اجتهـاد اسلامـی نمونه یک قانون اساسی مـترقّی بـاشد. بـرای ایـنکار قانون اساسی هم باید منطبق بر اصول اسلامـی بـاشد و هم از شکل حقوقی قابل قبولی برخوردار.

نقد متن پیشنهادی را نیز مـیتوان بـا تـوجّه بـه هدف‌های دوگانه فوق انجام داد باید بـررسی کـرد کـه اولاً: رعایت چه اصولی را از «قانون اساسی جمهـوری اسلامی ایران» انتظار داریم. یعنی مبتنی بـر چـه اساس حقوقی باید باشد. و ثانیاً از چـه بـیان حقـوقی بـاید برخوردار گردد.

الف ــ اساس حقوقی

بدیهی است که اساس حقوقی لازم‌الاتّباع در تنظیم قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصول نـظام خـدا ــ مردمی حکومت اسلامی است کـه یک سیستم فـراگیر و تجزیه‌ناپذیر بوده باعتبار تقسیم‌بـندی مـتد یک سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فـرهنگی و نـظامی، اصول اساسی زیر را میتوان مـنجمله در آن بـرشمرد: حـاکمیت خـدا، مـالکیت خـدا، انـفال، رهبری مـستضعفین، شورائـی، ولایت فقیه، بیعت، جهاد و نظام ارزشی.

باید دید متن پیشنهادی تا چه حدّ مـیتواند تـرجمان این اصول باشد.

۱ ــ حاکمیّت خدا در رابطه با اصل شوری

براساس جهان‌بینی توحیدی اسلام، حاکمیت باخدا است (آیـات ۵۷ و ۶۲ سورهٔ انـعام ــ ۴۰ و ۶۷ سورهٔ یـوسف ــ ۷۰ و ۸۸ سورهٔ قصص و غیره). و خـدا حاکمیّتش را بوسیله انسان در زمین تکوین مـی‌بـخشد. اصل قرآنی «جانشین خدابودن انسان در زمین» (آیهٔ ۳۰ سرویهٔ بقره ــ آیه ۲۶ سورهٔ ص) و حدیث نبوی یـدالله مع‌الجماعة نمایانگر تفویض حـاکمیت خـدا بـه مـردم است.

در محدوده مرزهای جغرافیائی، تبلور سیاسی ایـن اصل همان حاکمیّت ملّی است. بنابراین از دیدگاه اسلام حاکمیت ملّی یک حقّ ذاتـی نیست، بلکه جنبه امـانی دارد. اصلی لایتغیر هم نیست. یک اصل مرحله‌ای است که باتوجّه بـه کـلّ سیستم اسلام و وجـود اصول دیگری مثل اُمّت تکامل پیدا می‌کند.

اصل ۱۵ مـتن پـیشنهادی قـانون اساسی تـرجمان خوبی از اصل اسلامی مزبور است. امّا راه تحقّق آنـرا در اصول دیگر روشن نکرده است و حتّیٰ بـا اختیارات فراوانی که به رئیس جمهـور داده زمینه‌ای بـرای آنکه «فردی» بتواند «این حـق الهـی همگانـی را بـخود اختصاص دهد» ایـجاد کـرده است. طبق اصول ۸۹ و ۱۴۷ دست رئیس جمهور برای انجام همه پـرسی خیلی باز گذاشته شده و ازیـن خـطرناکتر اصل ۹۳ است کـه فرماندهی کلّ نـیروهای نـظامی را بـه او مـی‌سپارد. خطرناک ازین نظر که چنانچه رئیس جمهور ــ که چون معصوم نیست جـایزالخـطا است ــ بـه دیکتاتـوری کشانیده شود، ملّت علیه اقداماتش عملاً هیچ حربه‌ای در اختیار ندارد. جز اینکه صبر کند تـا دوران چهارساله ریاست جمهوری پایان پذیرد. تنها حمایت ملّی در برابر رئیس جمهور اصل ۱۰۲ است که آنهم بطور مبهم بـیان شده ناظر بر موارد خـاصّی است. بـهمین تـرتیب حـقّ اعلام جنگ و متارکه آن و پیمان صلح به رئیس جمهـور سپرده شده که بهتر است به نخست‌وزیر واگـذار گـردد. چه، نخست‌وزیر مستقیماً در مقابل مجلس مسئول است. و همچنین لازم خـواهد بـود کـه در اصل ۹۵ تشخیص فوریت و اضطرار مـوارد بـرعهده مـجلس شورایـملی باشد و مـقام پـیشنهادکننده رئـیس دیـوانعالی کشور در اصل ۱۴۰ که مطابق بند ۳ اصل ۱۳۹ رئیس شورایعالی قضائی نیز هست معلوم گردد تا رئیس جمهـور بـتنهائی تصمیم گیرنده نباشد.

برای اینکه پیشنهاد همه‌پرسی از جنبه فردی خارج گردد کافی است کـه در اصل ۸۹ تصریـح گـردد کـه پیشنهاد رئیس جمهور بـمنظور انـحلال مـجلس بشرط تأیید شورای نگهبان پـذیرفته است و در اصل ۱۴۷ نـیز عبارت «درخواست مراجعه به آراءِ عمومی باید از طرف رئیس جمهـور یـا دوسوّم از نـمایندگان بـاشد.....» به‌صورت زیر اصلاح گردد «درخواست مراجعه بـه آراء عمومی از طرف رئیس جمهور جز مورد اصل ۸۹ بـاید بتصویب دوسوّم از نمایندگان مجلس شورایـملی بـرسد که خود نیز مستقلاً میتوانند بـا رأی اکثریـت مـطلق تقاضای مراجعه به آراء عمومی نمایند. در هر مورد بـاید درخواست جهت اجرا به شورای نگهبان تسلیم شود»

در عین حال حاکمیت ملّی هنگامی میتواند واقـعیّت پیدا کند که اصل شورا چه در چهارچوب اجرای قـانون انجمن‌های ایـالتی و ولایـتی و چـه از طـریق تشکیل شوراهای صنفی جامهٔ عمل بپوشد که ایـن خـودش بـه تصویب قوانین عادی لازم مـربوط مـی‌گـردد امّـا لازم است که بدلیل اهمیّتش در قـانون اساسی هم آنـطوریکه که بایسته است مطرح شود. اصل ۳ خوب بیان شده امّـا اصل ۷۴ در اینمورد وافی به مـقصود نـیست. چـرا کـه فلسفه تشکیل شورا تنها «تـأمین هرچـه سریـعتر رفـاه عمومی و پیشبرد اصلاحات...» دانسته شده و ذکـری هم از لزوم تشکیل شوراهای صنفی نگردیـده است. لازم خواهد بود بترتیبی اصلاح و در ابتدای اصل هم عبارت «بمنظور تحقّق حاکمیّت ملّی» اضافه شود.

بدیهی است که حاکمیت ملّی و متن مـفهوم واقـعی میتواند وجود داشته باشد کـه از سوئـی قـانون شوراها اجرا شود و از دیگر سوی مجلس نمایندگان ملّت مـحور اصلی تصمیم‌گیری باشد. و انجام اینهمه را بـاید قـانون عادی که بعداً بتصویب میرسند با تضمین انتخابات آزاد و رعایت اصول دموکراسی فراهم آورند.

۲ ــ مالکیت خدا در رابطه با انفال

آیات متعدّد قرآن دلالت بر مالکیت خدا بر زمین و بر منابع طبیعی مـینماید (آیـهٔ ۶ سوره طـه ــ ۷۳ سورهٔ اعراف ــ ۵۶ سورهٔ عنکبوت) و همانـطوریکه فـوقاً تـوضیح داده شد در ایـنجا هم انسان و بـالتّبع مـلّت بجانشینی خدا مالک تلقّی می‌گردد. بنابراین چون زمین متعلّق به هیچکس نیست بلکه متعلّق به همه است مالکیت خصوصی زمین و مـنابع طبیعـی هم نـهادی اسلامـی نمیتواند تلقّی شود. و از آنجا که تـنها آنـچه رویش کـار انجام شده متعلّق بـه فـرد انسان است (لیس‌للانسان الاّ ماسعیٰ) زمین و منابع طبیعی مـانند جنگل، معادن، آبـها جزو انفال محسوب شده (آیهٔ ۱ سورهٔ انفال) باید بعنوان اموال عمومی و ملّی مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

بهمین دلیل اصل ۴۰ متن پیشنهادی کـه مـالکیت شخصی را بطور مطلق محترم شمرده و اصل ۴۱ که حقّ صاحب ملک را از نیاز عمومی بـرتر دانسته و اصل ۴۴ که ضرورت اقتصاد ارشادی حکومت را انکار کـرده و همچنین مفهوم مخالف اصل ۶۰ در مورد انحصارات از دیدگاه اسلام قابل دفاع نیستند. شگفت‌انگیزتر تـجاهلی است که نـویسندگان مـتن قـانون بـا انشاء اصل ۴۷ دچارش شده‌اند. مگر مـالکیت خصوصی در صنایع و کشاورزی یـا بـازرگانی علی‌الاصول مـیتواند وسیله اضرار یا تجاوز به منافع عمومی نشود؟. اینست که بـاید اصل اصالت کار و مـالکیّت بـقدر احتیاج عرفـی پـایه قانونگذاری در این زمینه باشد (اصل ۹ پـیش‌نـویس در این نـارسا است). بـدون ورود در تشریـح مـوازین اقتصادی اسلام، بعنوان یک اصل کلّی باید توجّه داشت که از دیدگاه اسلام در اقتصاد خـود، زهد و قـناعت و در اقتصاد جمعی و کلّ جـامعه اسلامـی قـدرت اقـتصادی ضابطه است.

۳ ــ رهبری مستضعفین و رابطه‌اش با جهاد

اگـر هر مکتبی بـار رسالتی را بـر دوش مـی‌کشد، اساسی‌ترین رسالت اسلام تحقّق رهبری مستضعفین در جهان است. این هدفی است کـه در آیـات مـتعدّد قـرآن تصریـح شده است (آیـهٔ ۵ سورهٔ قصص ــ ۲۶ سورهٔ انفال ــ ۳۷ سوره اعراف) و حتّیٰ امام علی‌ع در خـطبه معروف قـاصعه (۲۳۴ نـهج‌البلاغه فـیض) از پـیامبران بعنوان مستضعفین یاد کرده است. نیل بـه ایـن هدف در چهارچوب ملّی‌اش ارتـباط مستقیم بـه نـحوهٔ عملکرد اصل شوریٰ در همه اقشار و طبقـات اجتماعی خـواهد داشت که ذکرش گذشت. بـا جـرای همه‌جـانبه قـانون شوراها اقشار مستضعف و بالنده اجتماع امکان خواهند یافت رهبری واقعی را بدست گـیرند. تـأکید در تشکیل شوراها نـه‌فـقط رهبری مستضعفین را تضمین مـینماید بـلکه فـرمولهای سیاسی دیگری چـون خـودمختاری اجتماعی ــ اقتصادی را نـیز بـیقدر مـیسازد. زیـرا از سوئـی ضابـطه تـقسیم‌بـندی اجتماعی در اسلام حساسیّت‌های گذرای قومی نیست بلکه تقسیم دوقـطبی استضعاف و استکبار است و چـون استضعـاف در همه گروه‌بـندیهای قـومی و مـلّی از لحـاظ اجتماعی و اقتصادی میتواند موجود بـاشد بـا رفـع آن راه وحـدت واقعی خلق‌ها هموار مـی‌گـردد ــ از سوی دیگر در همه مرزبندیهای کاذب مکانی و قومی خودمختاری سیاسی و فرهنگی بمفهوم واقعی‌اش حاصل می‌شود.

در عین حـال، چـون «رهبری مـستضعفین جهـان» ترجمان داعیهٔ انـترناسیونالیستی اسلام است، اسلام در کنار جهاد با نفس (بعثت فـرهنگی) و جهـاد علیه ظلم و شر (امر بمعروف و نهی از منکر) جهاد رهائی‌بخش را وظیفه مسلمانان مـی‌شمارد (آیـهٔ ۷۵ سورهٔ نساء) تـا راه تشکیل امّت ــ جامعه بی‌طبقه توحیدی ــ هموار شود.

در اینمورد اصل ۷ متن پـیشنهادی گـرچه در روش قانونگذاری است امّا اصل اسلامی فوق را انشاء نـمود، وجودش ضرورت دارد ــ بـاید تـوجّه داشت کـه جـهاد رهائی‌بخش اسلام خـو دارای وجـوه مـختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی است. از لحاظ نـظامی در رابـطه بـا نقش ارتش جمهوری اسلامی مسأله جای بحث فـراوان دارد. آنچه مسلّم است ارتش بصورت کلاسیک امروز و آنگونه که اصول ۱۲۱ تا ۱۲۵ پیش‌نویس بیان موده، نظر به نمونه‌هائی که مـا بـلحاظ تـاریخی از ارتش اسلامـی داریم و در رابطه با اصل بـیعت قـابل طـرح مـیباشد، نمیتواند اسلامی تلقّی گردد.

۴ ــ بیعت

طبق این اصل تاریخی تنها وقتی میتوان از انسانـی مسئولیت سیاسی خواست که قبلاً آنرا پذیرفته بـاشد. از آیاتی مانند لااکراهُ فی‌الدّین وجود ایـن اصل را مـیتوان دریافت*

بهمین سبب انتظاری که مـیتوان از قـانون اساسی جمهوری اسلامی داشت رعایت همه اصول دموکراتیک اسلامـی است. آیـه کـریمهٔ فـبشر عبادی‌الذیـن یستمعونَ‌القـول و یـتّبعُون احسنه نـمایانگر بـینش دموکراتیک قـرآن است. بـنابراین عبارت «تـوهین بـه شعائر دینـی» در اصل ۲۵ و مـخصوصاً قسمتی از اصل ۲۶ که تشکیل احزاب و جمعیّت‌ها و انجمن‌های دینـی، سیاسی و صنفی را بشرطی آزاد دانسته کـه «اساس جمهوری اسلامی را نـقض نکنند بـا روح آزاد مـنش اسلامی و با مدلول آیه فوق انـطباق نـدارد. چـرا کـه میتواند بعنوان اسلحه‌ای در دست دولت علیه آزادیـهای عمومی ملّت بکار گرفته شود. بجا است کـه در اصل ۲۵ بـجای آن عبارت اصطلاح «اخـلاق حسنه» بکار رود و تشخیص آن به عرف و عادت واگذار شود. در اصل ۲۶ میتوان تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌هائی را منع کرد که علیه اساس جمهوری اسلامی اقـدام مسلحـانه نمایند. از مصادیق دیگر بـینش دمـوکراتیک اسلامـی همه‌پرسی (رفـراندوم) است. کـه شکلی مـدرن از همان اصل بیعت میباشد. بهمین سبب ملّت با اکثریت قاطع در همه‌پرسی، نـظام جمهـوری اسلامی را پـذیرفته است. بنظر میرسد که دلیل یا مجوّز اسلامی نمیتوان یـافت کـه قادر نباشد باز هم بـموجب همه‌پـرسی نـظام حکومـت اسلامی را ردّ نماید. لذا جمله آخـر اصل ۱۴۸ خـلاف روح آزادمنشی اسلامی بوده، باید حذف شود.

۵ ــ ولایت فقیه

ولایت فقیه یکی از اصول اساسی لازم‌الاتّباع نظام جمهـوری اسلامـی است صلاحیت فـقها و مـقامات مرجعیّت در پیاده‌کردن اسلام اصیل غیرقـابل تـردید میباشد. علیرغم این واقعیّت، متن پیشنهادی در ایـنمورد حتّیٰ نسبت بـه قـانون اساسی گـذشته از استحکام و صراحت کمتری برخوردار است. اصل دوم متمّم قانون اساسی مشروطیت که هرگز اجـرا نشد بـه مـجتهدین (حداقل ۵ نفر) حق وتو قـوانین غیرشروع را مـی‌داد و مقرّ کرده بود که آنان را از بین ۲۰ نفر که مـراجع تـقلید معرّفی مینمایند مجلس شورایملی برمی‌گزیند.

امّا طبق قانون اساسی جدید نظارت قانونی فقها از مجلس به ارگان جداگانه‌ای بنام شورای نگهبان انـتقال یافته که این بجای خـودش بـرنامه‌ای ابـتکاری است و بدلایل فـراوانی از اصل دوم قـانون اساسی سابـق مترقّی‌تر است. در واقـع، ایـن ارگـان مـنهای حضور ضروری مجتهدان در آن، دارای همان وظایف و اهدافی است کـه «شورای قـانون اساسی» فـرانسه طبق قـانون ۱۹۵۸ دارد، معهذا همانگونه که اشاره شد اصل ولایـت فقیه آنـطور کـه بـایسته و شایسته است رعایـت نشده، مجتهدان (۵ نفر) نسبت به حقـوقدانان (کـه ۶ نـفرند و متدین بودنشان هم تصریح نشده) یا قانون سابـق تـعداد مجتهدان پیشنهادشده نیز معیّن نگشته‌اند. در اقلیّت قرار گرفته‌اند (اصل ۱۴۲). و در تفاوتش بـهتر خـواهد بـود همان صراحت اصل دوّم مـتمّم قـانون اساسی گـذشته حفظ و همچنین تعداد مجتهدان اگر بیشتر نباشد لااقـل ۶ نفر و مساوی حقوقدانان باشند. بـاین تـرتیب ایـراد شکلی اصل ۱۴۶ قانون نیز راجع به آئـین تصمیم‌گـیری شورا (۶/ آراء) حلّ خواهد شد.

ذکر مذهب جعفری بعنوان دین رسمی کشور (اصل ۱۳) بسیار بحث‌انگیز است. اکتفا به «اسلام» بمنزله دین رسمی کشور نه ازین جهـت قـابل دفـاع است کـه اقلیّت‌های غیرشیعی هم در ایران زنـدگی مـی‌کـنند یـا آنگونه که بعضی استدلال کرده‌اند بدلیل نبودن حدیث یا روایتی بـاشد در مشروعیت لفـظی (!) مـذهب جعفـری اثناعشری. بلکه بدلیل اینکه در اعتقـاد شیعیان، اسلام راستین همان طـریقت علی‌ع و یـازده فـرزند اوست و مـذهب «جعفـری اثـناعشری» جـز اسلام زلال چیزی نیست.

امّا اگر ذکر مطلق «اسلام» را بـعنوان دیـن رسمی بپذیریم اشکالات فراوانی بر آن بـار مـی‌گـردد کـه مهّم‌ترینشان مسأله انتخاب مبنای قـانونگذاری و تـعیین مقررات اسلامی است. زیرا، فرقه‌های گوناگون اسلامی دارای منابع مشترک حقوقی نیستند. بـرای رفـع ایـن نقیصه لازم خواهد بود که پس از ذکر اسلام بعنوان دیـن رسمی اضافه شود که «مبنای قانونگذاری در استخـراج احکام اسلامی، منابع و مؤاخذ مذهب جعفری اثناعشری است».

معهذا، اگـر قـرار بـاشد اصل ۱۳، بـا تـرکیب کنونی‌اش حفظ گردد لازم بـنظر مـیرسد کـه کـلمه «اثناعشری» را هم به جعفری بیفزایند تا مجوّزی بـرای سوء تعبیر و تفسیر باقی نماند.

۶ ــ نظام ارزشی اسلام

هر جهان بـینی نـظام ارزشی خـود را دارد. یکی از مهمترین عناصر این نظام مسأله ضوابط برتری است که باید آنطوریکه اسلام شناخته در قانون اساسی تبلور پیدا نماید.

متن پیشنهادی تنها در ذیل اصل ۵ بـا ذکـر آیـهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات به یکی از ضوابط برتری که تقوی است اشاره نموده است. (ذکر عین آیـهٔ قـرآنی هم ضرورتـی نداشت). در حالیکه شناخت ضوابـط بـرتری در نـظام ارزشی یکی از اصول مسامحه‌ناپذیر بوده نـقش اساسی را در رهبری جـامعه بـلحاظ تـفویض مسئولیت‌ها ایـفا می‌کند. سزاست که در اصلی مستقّل ضوابط برتری کـه رعایتشان از دستاوردهای مهّم انقلاب مـحسوب تـواند شد تصریح گردد. بـخصوص کـه تـنها ضابـطه را تـقوی‌دانستن نـظری یک بُـعدی بـوده از شمول ایدئولوژیکی ــ سیاسی ــ نظامی مکتب بیگانه است.

باتوجّه به آیات فراوان قرآن تقوی نمیتواند بتنهائی معیار برتری باشد بلکه آگاهی (آیات ۶۶ سوره کـهف ــ ۴۳ سوره مریم ــ ۱۱ سوره مجادله) و جهـاد (یـا عمل صالح) نیز (آیات ۱۹ و ۲۰ سوره توبه ــ ۹۵ سوره نساء ــ ۱۸ سوره سجده) هم عرض با تقوی هستند.

پس از بـررسی رئـوس کـلّی اصول اسلامـی و چگونگی تجسّمش در چهارچوب اصول قانون اساسی، آنچه اهمیّت فراوان دارد رعایت یک بیان حقوقی قـابل قبول میباشد.

ب ــ بیان حقوقی

نظر به تفاوت شکلی و ماهوی قـوانین اساسی بـا عادی در بـیان حقـوقی قـانون اساسی مـلاحظاتی لازم‌الرّعایه است که مهمترینشان جامع و مانع‌بودن، کلّی و منجّربودن، صراحت، قابلیّت تداوم اجـرائی مـیباشد. یک قانون اساسی خوب قانونی است کـه در بـرگیرنده اصول پدیده‌های سیاسی جامعه و عاری از مسایل فرعی و جنبی باشد. در عین اینکه مـقرّات را کـلّی و خـالی از پیرایه تـنظیم کـند مـنجّر بـاشد و عاری از تکرار و مخصوصاً بیانی صریح و بی‌ابهام را بکار گـرفته بـاشد. در آنچه مربوط به نوامیس و اصول لایتغیّر می‌گردد باید بیان حقوقی از صراحت کامل بهره‌مند بـاشد تـا سبب هیچگونه تـعبیر و تـفسیر مـوسّع نگردد. لیکن در آنـچه مربوط به موازین غیراسـاسی هست چهارچوب قـانونی طوری باید انتخاب شود کـه جنبه چند بـعدی (بـه بـیان قرآن متشابه) داشته قـابلیت انـعطاف و انـطباق بـر تحولاّت زمانی و اجتماعی را دارا باشد. در ایـنصورت میتوان امیدوار بود که قانون تداوم اجرائی یافته جز پس از سالیان متمادی محتاج تجدیدنظر نخواهد گردید.

قانون اساسی باید آئینه تـمام‌نـمای اساسی‌تـرین پدیده‌های سیاسی و در عین حال عاری از بیان مسائـلی باشد که قابل طرح در قوانین عادی است.

متن پیشنهادی تا حدود زیادی ازیـن خصوصیت‌ها تهی است: اصل ۲۳ جامعیّت نـدارد. کـلمهٔ مـال» را هم باید جزو موارد مصونیت پس از «جان» افـزود. در اصل ۴۹ جملهٔ «بطوریکه جمهـوری اسلامـی در هیچ صورت بدون جمعی نباشد» زائـد و قـابل حـذف است. چـه در غیرایـنصورت بـا فـترت شش هفته‌ای مـجلس پس از انحلال مندرج در اصل ۸۹ مغایرت خواهد داشت.

در اصل ۵۳ بـاید تصریح شود کـه تشکیل جلسه محرمانه مجلس منحصراً در مـورد مسایـل مـربوط بـه سیاست خارجی جایز است. اصل ۶۱ باید حذف گـردد زیرا مضمونش بوجهی کـاملتر در اصل ۹۴ آمـده است. منتهی بهتر است در اصل اخیر بجای «امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه‌های بـین‌المللی عبارت «عضـویت در منشورها، پیمانها و سازمانهای بین‌المللی» که جـامع‌تر است بکار رود.

مفاد اصل ۶۶ در فصل مـربوط بـه شورای نگهبان تکرار شده، نیازی به این اصل نـمیباشد اصل ۶۷ خیلی کشدار مـبهم است عبارت «امـور کشور» بـاید مـحدود گردد.

در سوگندنامه رئیس جمهور (اصل ۸۲) بـاید عبارت «ائمهٔ اطـهـار علیهـم‌السلام» بـه «پـیشوایان مذهبی‌ام» تبدیل شود تا با اطلاق «مسلمان بودن» رئـیس جمهور در اصل ۷۶ مـبانیت نـداشته بـاشد. اصل ۸۷ و ۷۲ در مورد انتخاب نخست‌وزیر از سوی رئیس جمهور و لزوم رأی اعتماد بوی، قابل ادغام در یکدیگرند.

در اصل ۹۵ تشخیص فـوری و اضطراری بـودن موارد را معلوم نیست قانونگذار بعهده چه مقامی گذاشته است.

در اصل ۹۶ که با انـدک تـفاوت تـرجمهٔ مـادهٔ ۱۸ قانون اساسی ۱۹۵۸ فـرانسه است دلیلی نـدارد رئـیس جمهور نتواند خـودش هم رأساً بـرای ایـراد پـیام در اجلاس مجلس شرکت کند.

اصل ۱۰۱ موردی را که بین رئیس جمهور و هیأت دولت اختلاف شد پیش‌بینی نکرده است. چه در اینجا و چه در اصل ۱۱۰ بـاید ذکـر شود کـه حـل اختلاف و تشخیص موافقت مقرّات با رح قوانین بـرعهده شورای نگهبان خواهد بود. در اصل ۱۰۲ صرفنظر ازینکه توطئه علیه امنیت کشور خود از مصادیق خیانت بوده محتاج به ذکر نیست ــ مگر اینکه تمام مواردِ خیانت، شماره شود ــ عنوان‌کننده اتّهام خیانت علیه رئیس جمهور بصورت مجهول بیان شده باید چنین موردی از صراحت کـامل برخوردار باشد تـا در صورت اثـبات بـرائت رئـیس جمهور واردکننده اتّهام مسئول تلقّی گردد. این انتقاد در مورد اصل ۱۱۲ هم صادق است.

از آنجا که به نـخست‌وزیر اختیارات فـراوان داده میشود و در مقابلش رأی عدم اعتماد چـون حـربه‌ای در اختیار مجلس مانع از استبداد نـخست‌وزیر مـی‌گـردد، لازم خواهد بود همانطوریکه نمایندگان ملّت با استیضاح میتوانند در معتمدبودن نخست‌وزیر یا وزراء اعلام تردید نمایند به رئیس جمهور نیز حـق داده شود کـه در مـورد آنان با ذکر دلایـل از مـجلس تـقاضای رأی عدم اعتماد نماید.

چه اینکه، در متن پیشنهادی و حـقّ مـعزول‌کـردن هیأت دولت به رئیس جمهور داده نشده است.

قسمت اوّل اصل ۱۰۷ راجـع بـه مسئولیت هیئات وزیـران بـهتر است در اصل ۱۰۳ ادغام شود. بـاین ترتیب، عبارت «تا زمانی بکار خـود ادامـه دهد الخ....» تکراری و زائد است.

در اصل ۱۱۱ تصویب مجلس هم باید شرط گـردد.

بقیه در صفحه ۴

تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد

شهادت

چه بیشرمانه بهدادخواهی نشستند،
جلادان.
و چه بیرحمانه ماشهها را کشیدند.
چوخههای تیرباران.
آنگاه که قطرههای باران گلوله را،
در دشت سینهات کاشتند،
دانستم:
ابر بربار شهادت.
در قامت همیشه استوار تو،
بارور شد.
دانستم:
در زمستان خفقان
باریدن خواهی گرفت
و زمین تشنهٔ عصیان را
آبیاری خواهی کرد.
دانستم:
لالههای پیامبر،
خواهند روئید
و سرود آزادی خواهند خواند.
و ما،
پیروز میشویم،
با دستهای من،
با دستهای ما.

طلائی

قطعهای راجع بههیرمند امید حیات سیستان

برزگر پیرخسته و ناتوان، بر کشتزارش قدم نهاد
بههر جا نظر افکند، گند مزارش را پژمرده و نیمهجان دید. خود نیز پژمرده و نیمهجان بود، آخر! شاهد مرگ عزیزترین عزیزان بودن کار آسانی نیست، آنهم در حالیکه در نگاههایشان طلب کمک و یاری میبیند ولی هیچ کاری از دستش بر نمیآید، چرا باید گند مزارش را چنین در آستانه مرگ ببیند؟ چشمهایش مملو از اشک گردید و قطراتی نیز در جروکهای صورتش جاری شد. بهدستهای پر آبلهاش نظر افکند و در حالیکه با نومیدی بیلش را از زمین بر میداشت، تلوتلوخوران بهزحمت خودش را بکنار رودخانه هیرمند رساند. بر روی خاکریزش نشست و بدان نگریست. آه! رودخانه، یگانه امیدش را، از گندمزارش خشکیدهتر و بریان تردید. با لبهای خشکش چنین در سوکش سرد:

آه! ای خشکیده لب
ای مظهر بودن
ای فریاد رس
ای بیتو نابودن
هیرمند!
ای مظهر ایثار جانبازی
ای تنیده در وجودت غیرت و یاری
ای گستاخیت سرمشق انسانها
ای وجودت علت مهر و سخاوتها.
هیرمند!
ای ولی نعتم، ای آشنا با دردمان
ای امید سائلان، ای یادگان نسلمان
یاد دارم آن زمان را، یاد دارم آن زمان را
کز برای بخشش و ایثار،
می خرامیدی، بسوی مقصدت بیتاب
تا ببخشی سرور هستی را
بهدرختان خشک و گند مزار
یاد دارم آن زمانرا
لکن اینک تو خفتهای بیجان
برخیز ای الهه خوبان
میتشینم سوک، در هجرت
میتویسم بخط سرخ اسمت!

از غلامحسین گنجعلی

فرهنگ استعماری را طرد کنیم

در هر حرکت انقلابی پس از آنکه ارتجاع سرنگون میگردد، جهت انقلابی حرکت جامعه میبایست ارزشها و نهادهای سیستم ارتجاع را نابود کند تا دوبارهسازی جامعه براساس ارزشهای اعتقادی انجام گیرد. در این رابطه هرچه ساخت اجتماعی قبل دورتر از ایدهآلها و اهداف باشد، کار دوبارهسازی مشکلتر میگردد و هرچه ساخت اجتماعی گذشته از انسجام ارتجاعی بیشتری برخوردار بوده باشد دگرگون کردن آن نیز سختتر میشود. اما اگر هدف بخوبی فهمیده شده باشد، و مسئله اساسی رسیدن بهآن، و نه «زود رسیدن» باشد، تمام مشکلات و سختیها بهراحتی تحمل میگردند.

در چنین تغییر انقلابی باید از هرگونه راستروی و چپروی احتراز شود و بر اساس واقعیات جامعه، شیوهها و روشهای متناسب را برای تحقق اهداف بطور صحیح بکار گرفت. حال چرا واقعیات جامعه را باید مدّنظر گرفت؟ چون اگر مردم زمینههای قبول یک مسئله را نداشته باشند یا کورکورانه و یا فرصتطلبانه آنرا قبول میکنند، و یا بطور عکسالعملی آنرا ردّ مینمایند. اگر زمینههای قبول یک تغییر بنیادی در میان مردم وجود داشته باشد امّا نیروهای پیشرو از این آمادگی در جهت تغییر بنیادی جامعه استفاده نکنند، لاجرم در جهت خواستهای مردم نبوده و با حرکت محافظهکارانه خویش بهتداوم انقلاب خدشه وارد میکنند. حرکت انقلابی حضرت محمد (ص) الگویی است برای بکار بردن شیوهای انقلابی، که این خود تجلی شیوهای قرآنی است. همینکه نزول قرآن در طی بیش از دو دهه ادامه مییابد تا ختم گردد، نشان دهندهٔ سیاست مرحلهای اما همراه با قاطعیت انقلابی میباشد. که تا مرحله امکان از زمینههای از قبل آماده در میان مردم و از زمینههایی که در طی حرکت بوجود میآیند بطور کامل استفاده میگردد.

یکی از روشها در تغییر بنیادی این است که افراد را از هر آنچه که آنها را بهگرایشات ارتجاعی میکشاند دور نگاهداشت. شناخت عوامل بازدارنده در یک حرکت انقلابی نباید بصورت سطحی انجام گیرد. مثلاً در اینکه کلوبها و دانسینگها پدیدهٔ منحط غربی است، کمتر کسی شک دارد. امّا اینکه چه عوارضی دارد، اینگونه تقلیدها و گرایشات چه تأثیراتی بر افراد جامعه بخصوص جوانان میگذارند، باید روشن گردند. تا با شناخت صحیح از این پدیدهها بتوان از هر نمود و فرم دیگر این عوامل در زندگی که سّد راه تکامل میگردند تا حد امکان جلوگیری کرد.

تقلید از غرب و الگو قراردادن هرگونه تفکر و رفتار منحط آنها ریشه در نابود کردن تمام نیروهای بالقوه یک فرد جوان دارد و این نیرو بجای آنکه بصورت خشم انقلابی در مقابل قدرتهای ظالم قرار گیرد بصورت منفعل و مقلّد بجای ارضاء تکاملی خود بهارضاء امیال ضدتکاملی میپردازد.

یک جامعه را تا زمانی میتوان تحتظلم نگاهداشت که زور بکار گرفته شود و یا تزویر. و چون عصر زور در شکل ظاهرش تمام شده، تزویر بگونه دیگری کار زور را انجام میدهد. و آن «تک فرهنگی» کردن کشورهایی مثل ما بوده است. بگونهای افکار و امیال ما را دست کاری مینمایند تا چنین تصور کنیم که فقط یک فرهنگ صحیح میباشد و آنهم فرهنگ غرب است. و بجای اینکه بازور و توپ و تفنگ بخواهند ما را چپاول کنند، آنچنان دچار «تک فرهنگی» و دنباله روی میشویم که حتی در چپاول منابع انسانی و طبیعی بهآنها کمک میکنیم.

در تغییر بنیادی باید یک اصل را رعایت کرد و آن دگرگونی شخصیت و نهادهای اجتماعی میباشد. شخصیت که بُعد فردی انسان است و نهادها که نتیجه و علت روابط انسانی، باید در انقلاب اجتماعی مدّنظر گرفته شوند، وگرنه تغییر بظاهر انقلابی و در باطن اصلاحطلبی و رفرمیستی خواهد شد.

در جامعه ما که بمباران فرهنگ غرب از ریشههای تاریخی برخوردار است بهآسانی نمیتوان نابودش کرد. امّا مردم در انقلاب نشان دادند که حاضر بهنفی فرهنگ منحط هستند و این نتیجهٔ تغییری است که در شخصیتها بوجود آمد و تبلور این خواست در تغییر سیستم نمودار شد. از آنجا که مدت زمان انقلاب کوتاه بود، تغییر در شخصیت، بنیادی انجام نگرفت. (البته این بدان معنی نیست که خون دههاهزار شهید را نادیده بگیریم. بلکه صحبت از یک واقعیت است که امروز هم شاهد آنیم.)

حال برای اینکه تغییر شخصیت تبلور خویش را باز یابد، تداوم حرکت انقلاب با تغییر بنیادی در وجه دیگر یعنی تغییری در نهادها میباید انجام پذیرد تا در تأثیر متقابل خود، شخصیت را بیک مرحله بالاتر تکامل الهی برساند. تغییر نهادها در اختیار رهبران و مسئولین امور میباشد. آنها با شناخت صحیح شیوههای درست میتوانند، و باید با وجود اینکه تأخیر هم شده، این مهم را انجام دهند. (چنین تقسیم و جدایی بین شخصیت و نهادها برای روشنتر کردن مطلب است.)

حال با در نظر گرفتن سلطه فرهنگ غرب بخصوص در میان قشرهایی از جوانان بدرجات مختلف و با کوتاه بودن مرحله اول انقلاب همان خصائل میتوانند اگر تغییراتی در نهادهای جامعه صورت نگیرد، بسهولت باز گردند.

بازگشائی دانسینگها، باز شدن محلّه بدنام، دوباره برگشتن زنان گولخورده در کنار خیابانها، و..... نشانهای است از بازگشت همان خصائل و گرایشات. در این میان توجّه خاصی باید بهاعتیاد کرد با نبود حفاظت دقیق از مرزها و آزاد بودن قاچاقچیان، باندهای پخش کننده مواد مخدّر بخاطر بالا رفتن قیمت این مواد، بشدّت مشغول فعالیت هستند. بخصوص با نبود مواد الکلی معتادین این بخش نیز بهدیگر مواد مخدر رو کردهاند. و هنوز شاهد آنیم که «توطئه تریاک» در مملکت ما هنوز ادامه دارد. که نشان دهنده چیزی جز انحرافات عظیم در میان افرادیکه میتوانستند در خدمت انقلاب باشند، نیست. غربزدگی فقط در فرم مو، لباس و..... نیست، بلکه درخواستها و نیازها و افکار نیز میباشد که پایههای اساسی خود را تشکیل میدهد. این چنین گرایشات در سطح گستردهای از مردم شهرنشین بدرجات مختلف جا افتاده بودند. همانگونه که پیدایش آن در میان گروهها و اقشار و طبقات بهمرور انجام گرفت، دوباره پیدایش آن نیز تدریجی خواهد بود.

بصرف اینکه امروز فقط در مناطقی دوباره بازگشته، نباید آن را ناچیز شمرد که این حکایت از طوفان است.

بدین ترتیب هرچه تغییر نهادها در این مرحله از انقلاب عقب بیافتد و هرچه نابسامانیها آنگونه که امروزه شاهد آنیم، گسترش یابد، تغییر نسبی شخصیتها در جهت انقلاب بیجواب میماند و خصائل و گرایشات قبل از انقلاب رجعت میکنند و این خواستها و تمایلات زمینه را برای بازگشت ضدانقلاب آماده میسازد.

چه باید کرد؟

در ایراز راهحلّ کلی که همان تغییر بنیادی و بهویژه حل مشکلات اقتصادی در این مرحله باشد صحبت بسیار گفته شده است، هیچگونه شکی در آن نیست. امّا در این میان راهحلّهایی که در درون آن تغییر بنیادی میباشد بسیار کمک کننده است که میتوانند در این زمینه نیز بکار گرفته شوند.

نسل جوان نیروی اساسی این انقلاب است و برای تداوم انقلاب از آنجا که همین جوانان رهبران فردایند، اهمیّت توجه بیشتر بهآنها، واضحتر میگردد. باید دید رژیم پهلوی چه کارهایی کرد تا زمینه را برای پذیرش فرهنگ غرب در میان جوانان آماده نمود تا بقول معروف بدل آنرا زد، واضح است که برای اشتغال فکری، و پر کردن وقت آزاد آنچه که بیشتر در دسترس باشد مورد استفاده قرار میگیرد بخصوص اگر زمینههای اجتماعی هم در مورد پذیرش آن وجود داشته باشند.

اگر بهزمانی عقبتر بنگریم، میبابیم که ورزش بعنوان یک برنامه، بسیاری از اوقات آزاد جوانان را پر میکرد. با تمام کمبودها، روی اسفالت فوتبال، و در زیر آفتاب والیبال بازی میکردند، و هنوز هم انجام میدهند، امّا خیلی کمتر، بطور کلی ورزش جایی در زندگی جوان ایرانی داشت. اما رژیم پهلوی برای هرچه بیشتر وابسته کردن جوانان و ایجاد روحیهٔ مصرفی بهایجاد زمینه برای گرایشات غربی در آنها دست زد. یکی از طرق، تخریب و «تشویق» ورزش بود. تخریب بهاین معنی که رژیم سابق در محلّات مختلف تهران، مثل چهارصد دستگاه، شهرآرا، و در شهرستانها، زمینهای ورزشی را که تا حدّ زیاد باعث میشدند تا جوانان از مسائل انحرافی هم چون اعتیاد دور باشند، خراب کرد و جوانان را برای پرکردن این وقتِ خالی بطرف «تفریحات» از پیش آماده، همچون حشیش، سکس، و..... سوق داد و از جهت دیگر ورزش را «تشویق» نمود و آن دامن زدن بهگرایشات «باشگاه گرایی» و ایجاد تفرقه در میان مردم و جوانان بود.

مراکز فرهنگی، بخصوص سینما نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. ارزش مراکز فرهنگی بسته بهمحتوای آنها و ارزشی که بهمردم ارائه میدهند، دارد. بدین خاطر میتوانند هم نقش سازنده و هم نقش ویران کننده داشته باشند. شاهد بودیم که مراکز بهاصطلاح فرهنگی در دوران رژیم پهلوی چگونه در بهانحراف کشیدن کل جامعه و بخصوص جوانان نقش مهمی را ایفا نمود.

در جامعهای که بهطرف ایجاد فرهنگ اسلامی و شخصیتهای توحیدی حرکت میکند، دیگر وجود فیلمهای مبتذل بر روی صحنهها یعنی چه؟ خارج از اینکه تغییر نهادی راهحل اساسی است، اما با توجه بهاین دو امر میتوانیم از ایجاد زمینه برای بازگشت خصائل ضدانقلابی بخصوص در میان جوانان تا حد زیاد جلوگیری نمائیم.

سینماها را باز نمائید و فیلمهایی که عرضه کننده ارزشهای صحیح هستند ارائه دهید. رادیو ـ تلویزیون را که گستردگیش در میان مردم بیشتر است با برنامهریزی درستی که برای این امر مفید باشد مجهز نمائید. بهایجاد ورزشگاهها در محلات بهآنگونه که جلبتوجّه جوانان را نماید توجه سریع و کافی نمائید. وگرنه، باموعظه و پند و نصیحت نه تغییری حاصل میگردد و نه ضدانقلاب در بازگشتش تجدیدنظر میکند.

اگر مسئولین امور با تغییرات مرحلهای انقلابی نمیخواهند کار کنند، میتوانند در ایجاد و گسترش مراکز فرهنگی و ورزشی که در حدّ خواستههای آنها میباشد، در برنامههایشان بهاین مسئله جایی دهند، وگرنه بازگشت ضدانقلاب سریعتر خواهد بود.

بهزاد

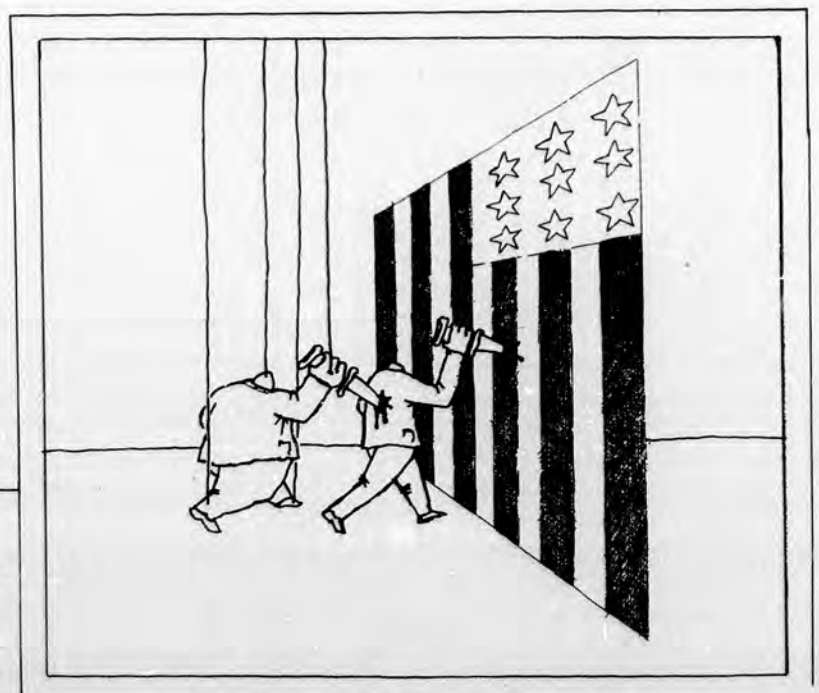

بقیه از صفحه ۳

درباره پیش نویس ...

در اصل ۱۱۵ نظام اخذ مالیات مبهم و انتزاعی بیان شده است. باید ضوابط کلّیاش در قانون اساسی یادآوری گردد.

در اصل ۱۱۱ تصویب مجلس هم باید شرط گردد.

در اصل ۱۱۵ نظام اخذ مالیات مبهم و انتزاعی بیان شده است. باید ضوابط کلّیاش در قانون اساسی یادآوری گردد.

تغییر قسمت دوّم اصل ۱۲۲ بترتیب زیر بهآن جامعیّت بیشتر میدهد: «... عبور و یا اقامت در قلمرو زمینی، هوائی و دریائی ایران...»

در اصل ۱۳۷ تنها یکبار نامی از شورای دولتی برده شده است. بدلیل اهمیّتی که دارد لازم است وظایف آن و مقامات مسئول آن معلوم گردند. باید توجّه داشت که قانون تشکیل شورای دولتی از جمله قوانین مترقّی است که سالهاست تصویب گردیده امّا هرگز اجرا نشده است. باید معلوم باشد که آیا قانونگذار رژیم جدید همان قانون سابق را امضاء میکند یا خیر؟

در اصل ۱۴۸ ابهام و ناهماهنگی وجود دارد. باید به رئیس جمهور منفرداً و هیأت وزیران متفقاً اجازه داد لزوم تجدیدنظر در یک یا چند اصل از قانون اساسی را عنوان نمایند. زیرا بهرحال این مجلس است که با اکثریت سهچهارم آراء آنرا تصویب میکند. تا سپس به رفراندوم گذاشته شود.

سوای موارد فوقالذّکر، انتقادی کلّی که بر متن پیشنهادی وارد میباشد اینست که فصلبندیهای آن درست انجام نگرفته است. آنچه که میبایست در فصل اصول کلّی آورده میشد در فصول دیگر ذکر شده و ازین قبیل، چنانکه اصلین ۱۳ و ۱۴ راجع بهدین رسمی کشور و اصلین ۲۰ و ۲۱ درباره پرچم و زبان و خطّ رسمی میبایست در فصل اوّل جزو اصول کلّی آورده میشد، اصل ۷۴ راجع به شوراها باید در فصل سوّم جزو اصول مربوط به حاکمیّت ملّی قرار گیرد. منع حکومت نظامی در اصل ۶۸ جزو فصل هشتم راجع به اختیارات و صلاحیت مجلس شورایملی نابجا است باید به فصل پنجم (حقوق ملّت) برده شود. عنوان فصل یازدهم ذکر نشده که چیست. بخصوص که اصل ۱۴۸ آن راجع به تجدیدنظر در اصول قانون اساسی با دو اصل دیگر در مورد منعداشتن بیش از یک مقام دولتی سنخیّت ندارد. اصل ۱۴۱ در مورد دیوان عدالت اداری عنوان فصلی مستقل قرار گرفته که لزومی ندارد. باید آنهم جزو فصل هشتم (در قوّه قضائیه) باشد.

بالاخره، اساسیترین و شاملترین انتقادی که بر متن پیشنهادی بار میباشد نقص آن است در بیان ایدهها و اصولی که از یک قانون اساسی جمهوری اسلامی انتظار میرود. این متن نیاز بهمقدمهای دارد که در آن ضمن تذکار و دستاوردهای انقلاب، منابع قانونگذاری اسلام ـ قرآن، سنت، عقل و اجماع ـ و عدالاقتضاء فرمان امام علی[ع] به مالک اشتر بعنوان اصول اساسی حکومت و بیان اصول قابل قبول حقوق بشر مورد اشاره و استناد قرار گیرد، و نیز به تبعیّت از سنّت قانونگذاری در تنظیم یک قانون اساسی، باید ضمن مقدّمه شعار الهی پرشمول جمهوری اسلامی که طبق آیه ۲۵ سورهٔ جدید کتاب، ترازو و آهن و بعبارت دیگر «آگاهی، عدالت، جهاد» است تصریح شود.

ناصر منصوریان

بقیه از صفحه ۶

ستار ....

محمد علی میرزا و اربابش که ادامه جنگ را از هر نظر در تضاد با منافع پلید خود میبینند دست بهتوطئه چرکینی میزنند، رژیم که قادر نشده مبارزین را عقب براند، خود را بدامن ننگآلود بیگانگان انداخته و با صلاحدید انگلیس دست یاری بسوی روسیه دراز میکند تا کاری را که سربازان وی نتوانستند بهانجام رسانند، نیروهای بیگانه دمار از روزگار مردم درآورند. با ورود سربازان مزدور روسی تبریز اشغال میشود و مزدوران بهشکار آزادیخواهان میپردازند و ستار برخلاف میل باطنیش و با اصرار مردم بهسفارت عثمانی میرود، در این هنگام که شهرهای اصفهان، رشت و تهران با الهام از مبارزات بحق مردم تبریز بتکان و جنبش آمده بودند رژیم را در فشار قرار میدهند، محمد علی میرزا که عملاً خود را در تنگنامی میبیند با صدور فرمان مشروطه موافقت میکند و بدینسان جنگهای یازده ماهه تبریز بپایان میرسد در حالیکه مجاهدین تبریز در این اندیشه بودند که با این دشمن اشغالگر چه بکنند!

ـ محمّد ـ

بقیه از صفحه ۷

ایدئولوژیک

و پایه نظام توحیدی؛ خصوصیات این جامعه را از زبان تاریخ و حدیث و روایات ائمه نقل کنیم تا همه بدانیم ایدئولوژی اسلامی چگونه نظام و جامعهای را توصیه میکند و ببینیم ما تا چه اندازه در جهت استقرار نظام اصیل اسلامی در حرکت هستیم ادامه دارد.

وحدت نیروهای انقلابی مسلمان ضامن پیروزی ماست

بقیه از صفحه ۱

گزارش از روستاهای....

ـ اصلاحات ارضی آمریکایی شاه تنها حرکتی در جهت فرونشاندن جنبشهای روستائی نبود

شاه تنها حرکتی در جهت فرونشاندن جنبشهای روستائی نبود.

رشد تصاعدی تولید که از مشخصات ذاتی نظام سرمایه‌داری است، جبراً در مراحلی از حدّ ارضاء نیاز بازار کشورهای امپریالیستی فراتر رفته و مؤسسات غول‌آسای تولیدی را با اضافه تولید کالاهای مصرفی مواجه خواهد کرد. در همین راستا، تلاش در جهت یافتن باز رهای جدید برای مصرف این کالاها، امپریالیسم را وادار به‌اتخاذ شیوه‌های جدیدی می‌نماید. امّا از طرف دیگر دایرهٔ بستهٔ مناسبات قئودالی و اقتصاد خودکفای روستائی مانع از هجوم به‌بازارهای جدید مصرف و فاقد عناصر فرهنگی مناسب، جهت ایجاد انگیزه‌های مصرفی جدید می‌باشد. بدین ترتیب نابود کردن اقتصاد خودکفای روستا هم یکی از عمده‌ترین اهداف اصلاحات شاهانه بود. و مسئله سوّم: از آنجا که غارت منابع طبیعی و بخصوص مواد خام کشورهای تحت سلطه، یکی از مشخصات برجستهٔ امپریالیسم در عصر حاضر[1] است و حمل‌ونقل این مواد به‌کشورهای متروپُل هزینه‌های هنگفت اقتصادی و نظامی دربر دارد و همچنین تبدیل این مواد خام به‌کالا در کشورهای صنعتی متضمن استفاده از نیروی کارِ گران، زحمتکشان این کشورها می‌باشد، انتقال بخشی از صنایع درگیر در امر تبدیل مواد خام به‌کالا، به‌کشورهای تحت سلطه و ایجاد بازارهای منطقه‌ای تیز یکی دیگر از علل دست‌یازیدن به‌اصلاحات، از نوع شاهانه آن، بود. در توضیح این مطلب باید متذکر شد که با توجه به‌مطالب فوق و بخصوص استفاده از نیروی کار ارزان در کشورهای تحت سلطه، طبق برنامه‌های دقیق و حساب شده، باید بخشی از نیروی کار فعّال روستاها به‌شهر منتقل شده و در کارگاههای مونتاژ و تبدیل موادخام به‌کالاهای پیچیده‌تر، که با سرمایه‌های خارجی احداث می‌شوند[2]، مشغول به‌کار می‌شد. در همین رابطه بمنظور مصرف این کالاها و سایر کالاهای اضافه تولید غرب و همچنین گرداندن دستگاه عظیم و طویل مؤسسات غیر تولیدی و بوروکراسی گسترده‌ای که رژیم ایجاد کرده بود، طبقه متوسطی نیز باید رشد پیدا می‌کرد که نقش مزدور و کارگزار[3] رژیم را ایفا کند. البته این بحث می‌تواند ابعاد بسیار گسترده‌ای به‌خود بگیرد و در آثار نویسندگان و دست‌اندرکاران ایرانی نیز تاکنون بطور جامع مورد بررسی قرار نگرفته است و شاید مطرح کردنش در اینجا موجب حرکتی در اینجهت گردد. امّا از آنجا که موضوع این مقاله مطلب دیگری می‌باشد، به‌همین شرح فهرست‌وار بسنده کرده و به‌اصل موضوع می‌پردازیم.

نتایج مستقیم و غیرمستقیم اصلاحات شاهانه و اثرات آن در زندگی روستائیان کشورمان را پس از دوره‌های اوّل و دوّم و سوّم و... «اصلاحات ارضی» بوضوح می‌توان مشاهده کرد. پس از گذشت ۱۵ سال، ویرانی و فقر در روستاها بیداد می‌کند. قسمت اعظم نیروی کار جوان روستا به‌شهرها مهاجرت کرده و مشغول کار در شهر است و تنها پیرمردان و زنان در روستا مانده‌اند. تولیدات کشاورزی، به‌علت عدم بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته و نابود شدن سیستمهای آبیاری مانند قنوات و غیره، از نظر کیفیت و کمیّت به‌حداقل ممکن نزول کرده و روستا و روستائی در مسیر یک مرگ تدریجی گام می‌زنند. دهقانان پیر و فرسوده که سالهای عمر را زیر ستم ارباب، با کار طاقت‌فرسا و بیگاریهای همه‌ساله سپری کرده بودند، بدون کمترین امیدی به‌فردا به‌نبرد برای بقاء ادامه می‌دادند.

با ظهور نهضت اسلامی مردم ایران و سرانجام سرنگونی رژیم منفور شاه، نور امیدی در دل این مستضعفین زمین نیز دمیده گشت و به‌پیروی از دستورات رهبری انقلاب، مبنی بر کشت هرچه وسیعتر محصولات کشاورزی، با امید تحقق خواستهای چندین‌ساله‌شان بکار مشغول شدند.

رژیم شاه به‌کمک ایادی خوانین و مالکان، در طول جنبش اخیر همواره در روستاها با تبلیغات سوء علیه نهضت و امام خمینی سعی در بدبین کردن روستائیان نسبت به‌جنبش انقلابی و جلوگیری از شرکت آنان در نهضت را داشت.

در اکثر روستاها شایع کرده بودند که «خمینی مخالف اصلاحات ارضی بود و بهمین دلیل تبعید شد و حال اگر بازهم بایران برگردد زمین‌های دهقانان را دوباره به‌ارباب خواهد داد». ایادی خوانین هم همواره این شایعات را دامن می‌زدند.

اعلامیه‌های امام مبنی براینکه زمینها متعلق به‌دهقانان است و ایشان صاحب دسترنج خود می‌باشند، نقش بسیار مؤثری در خنثیٰ نمودن این توطئه‌ها و بالنتیجه فرار خوانین از روستاها را دربی داشت. خوانین و ایادی آنان که از این راه کار بجائی نبردند، اینک مشغول دسیسه‌چینی‌ها و توطئه‌های دیگری بمنظور برقرار ساختن همان مناسبات پیشین می‌باشند که یک نمونه از آن را در هفته‌های گذشته، روستائیان منطقه خرقان شرقی قزوین بوسیلهٔ نامه‌هایی بما گزارش داده‌اند. بمنظور آشنایی با وضع روستائیان این منطقه و شرایط روستاها، باین منطقه رفتیم و گزارش زیر را که در چند شماره خواهد آمد، تهیه نمودیم. گزارش زیر مبتنی بر مشاهدات عینی ما از ۵ روستای این منطقه تهیه شده است.

موقعیت منطقه:

خرقان شرقی منطقه‌ای است که از آبگرم (۸۰ کیلومتری قزوین) تا ساوه ادامه می‌یابد و بگفتهٔ روستائیان شامل ۸۲ روستا می‌باشد. منطقه دارای کوههای کم‌ارتفاع بوده و اغلب روستاها در دامنهٔ ارتفاعات و در میان دره‌ها واقع‌اند.

سیستم آب‌رسانی:

آب اغلب روستاها از چشمه‌ها و رودخانه‌هائی که اغلب در فصل بهار آب دارند، تأمین میشود. غالب قنوات یا متروک شده‌اند و یا براثر عدم توجه به‌لاروبی مقدار بسیار کمی از آب مورد نیاز روستائیان را تأمین می‌کنند. اکثریت قریب باتفاق روستاها فاقد لوله‌کشی و شیر آب می‌باشند و آب آشامیدنی روستا نیز از همان چشمه‌ها و... تأمین میشود. و شستشوی ظروف و لباس نیز در همین چشمه‌ها انجام میشود و به‌همین دلیل اکثر کودکان روستا به‌بیماریهائی از قبیل اسهال و دل‌درد و غیره مبتلا میشوند.

تقسیم آب بین زمینهای کشاورزان و مالک بصورت قراردادی بوده و هر زارع ساعتی از روز، از آب بمنظور آبیاری زمین خود استفاده می‌کند.

محصولات عمدهٔ منطقه

محصول عمدهٔ زارعین این منطقه گندم و جو می‌باشد و در بعضی روستاها، چغندر و سیب‌زمینی و پیاز نیز باندازهٔ نیاز خود روستا کشت میشود. عمدهٔ محصول در خود روستا مصرف شده و اضافهٔ آن در معاملات پایاپای با اجناس سایر روستائیان تعویض میشود.

خوانین منطقه

خوانین عمدهٔ این منطقه از سه خانواده هژبر کیانی، اصلانی‌ها و تقی‌ها می‌باشند که خود دارای ارتباطات فامیلی با یکدیگر بوده و غالباً املاک خودرا در دورهٔ سوم «اصلاحات ارضی» (از سال ۴۸ به‌بعد) با قراردادهای ۱۲ یا ۱۵ ساله به‌زارعین «واگذار» کرده و هر سال مبلغی از زارعین بعنوان اجاره یا بهرهٔ مالکانه دریافت میکرده‌اند (تا سال ۵۷).

روستای مصرآباد

موقعیت روستا

این روستا که در جنوب غربی آبگرم قزوین (۲۴ کیلومتر تا آبگرم) واقع شده است، مرکز تجمع خوانین منطقه بوده و هریک دارای ملک، خصوصی و خانه اربابی در این روستا می‌باشند. خانه‌های خوانین دارای باغچه‌های وسیع میوه بوده و هریک چاه آب و حمام خصوصی دارند. چند تن از مالکین به‌اسامی، بهرام، علی‌محمد، منوچهر و هوشنگ اصلانی و مسعود و سرهنگ فرهاد کیانی در این روستا صاحب خانه‌های اربابی می‌باشند. لازم بتذکر است که چند تن از این افراد بوسیلهٔ پاسداران انقلاب دستگیر شده و بعضاً بواسطه سفارشات و اعمال‌نفوذ آزاد شده‌اند. و سرهنگ فرهاد کیانی که قبلاً آجودان مخصوص اویسی جنایتکار بوده است، اینک فراری می‌باشد.

جمعیت

۸۵ تا ۹۰ خانوار در این روستا زندگی می‌کنند و جمعیت آن حدود ۴۰۰ نفر می‌باشد.

محصولات

محصول عمدهٔ روستا گندم و جو می‌باشد، که تا سال ۴۸ دو سهم به‌زارع و یک سهم از آن به‌ارباب (بعنوان بهره مالکانه) تعلق می‌گرفت. میوه‌جات درختی نیز به‌مقدار بسیار محدودی تولید شده و محصول آن نیمی به‌ارباب و نیمی به‌زارع تعلق می‌گیرد.

نحوه مالکیت زمین

تا قبل از دورهٔ سوّم اصلاحات ارضی همهٔ زمینهای روستا متعلق به‌مالکین بوده و مسعود کیانی و بهرام و علی‌محمد اصلانی به‌نمایندگی از جانب دیگران، مالکین عمدهٔ این روستا می‌باشند. مالک به‌نسبت یک سهم از سه سهم از زارعین بهرهٔ مالکانه دریافت می‌کرده و از محصول درختان و چوب قلمستانها و باغ انگور نیز نیمی از محصول بمالک و نیم دیگر به‌زارع می‌رسیده است. پس از دورهٔ سوم «اصلاحات ارضی» مالکین قطعاتی از زمینهای کشاورزی را به‌اقساط دوازده یا ۱۵ ساله به‌زارعین واگذار کرده و بهر کشاورز یک یا چند شعیر[4] زمین رسیده و سندی از ادارهٔ ثبت اسناد و املاک نیز بطور رسمی دریافت کرده است. بر طبق این‌گونه اسناد، زمینهای مربوطه پس از پرادخت ۱۲ یا ۱۵ قسط سالانه به‌کشاورزان تعلق می‌گیرد و مالک دیگر هیچگونه حقی نسبت به‌زمین و دریافت بهرهٔ مالکانه ندارد. امّا عملاً وضع به‌این ترتیب نیست، در بخش بدهی‌های کشاورزان به‌بانک کشاورزی در این باره توضیح خواهیم داد.

آب

قسمت اعظم آب آشامیدنی و مورد نیاز برای کشت از یک چشمه تأمین می‌شود و روستا با کمبود جدّی آب روبرو می‌باشد. آب این چشمه در گودال‌مانندی جمع شده و طبق قرارداد دو یا سه روز به‌زمینهای مالک روان شده و روزهای باقیماندهٔ هفته را بطور قراردادی هر کشاورز، ۲ یا ۳ ساعت در روز از آن استفاده می‌کند.

۱ ـ و این یکی از جنبه‌هائی است که در رابطه با مشخصات امپریالیسم جدید، در تئوری‌های اولیه دربارهٔ امپریالیسم بطور شایسته از آن سخن نرفته است. در این زمینه کتاب امپریالیسم در سالهای ۷۰، اثر پیرژاله می‌تواند راهنما باشد.

۲ ـ در اینجا باید در نظر داشت که منظور از سرمایه چنان که بعضی می‌پندارند، تنها پول نیست.

۳ ـ بخوان «رجال» یعنی همانها که اینک قحطی‌شان آمده است!

۴ ـ «شعیر» واحدی قراردادی است که با توجه به‌وسعت زمینهای روستا تعیین می‌شود و بهر کشاورز یک یا چند شعیر می‌رسد. مثلاً همین روستای مصرآباد کلاً ۹۶ شعیر بوده و از هر شعیر سالانه حدود دو خروار گندم برداشت می‌شود. و قسط سالانه از هر شعیر ۱۰۰۰ تومان می‌باشد.

بهداشت

در روستا خبری از درمانگاه و یا پزشک نمی‌توان یافت، اکثر کودکان بعلت مصرف آب چشمه که مورد استفاده برای شستشوی لباس و ظروف نیز هست، به‌بیماریهای روده‌ای و اسهال مبتلا می‌شوند و زنان بعلت اینکه مجبورند در آب سرد، رخت و لباس و ظروف را بشویند اکثراً به‌بیماری پادرد و رماتیسم مبتلا می‌شوند. بیماریهای دیگر از قبیل کچلی ـ گوش درد، زخم صورت و خارش نیز در میان کودکان شایع است. روستا دارای هیچگونه شبکه فاضلاب نبوده و مستراحهای منازل نیز فاقد چاه فاضلاب است. روستائیان مستراح را در ارتفاعی از زمین ساخته و در کف آن سوراخی به‌جای چاه ایجاد می‌کنند و در پایان هر سال از فضولات جمع شده به‌عنوان کود انسانی استفاده می‌کنند. روستا در سال ۴۲ یک درمانگاه دولتی داشته اما خان از ورود پزشک به‌ده جلوگیری کرده است.

تا دو سال پیش حمام روستا، دارای یک خزینه بوده و زنان و مردان بترتیب صبحها و بعدازظهرها از آن استفاده می‌نموده‌اند. امّا از سال گذشته اهالی با جمع‌آوری مقداری پول و گرفتن بودجه‌ای زیر نظر نمایندهٔ تاکستان در مجلس شورایملی (سیّدباقر شادمان فراری) موفق به‌ساختن یک حمام با ۶ دستگاه دوش گشته‌اند. به‌گفته اهالی بودجه‌ای که دولت برای اینکار درنظر گرفته بوده است بالغ بر ۴۵۰ هزار تومان می‌شده، اما نظر به‌اینکه خود اهالی و روستائیانی که از این ده به‌شهرها مهاجرت کرده بودند، موفق به‌جمع‌آوری ۱۵۰ هزار تومان گشتند، سیّد باقر شادمان تنها ۱۵۰ هزار تومان از این مبلغ را در اختیار آنان قرار داده و ۳۰۰ هزار تومان بقیه را خود به‌جیب زده است.

بعلت نبودن ماما، زنان در موقع زایمان با مشکلات بسیاری روبرو هستند و خود اهالی مجبور به‌کمک به‌مادران در موقع زایمان می‌باشند.

آموزش

اکثر اهالی به‌ترکی صحبت می‌کنند. روستا یک مدرسه کوچک دارد و کودکان تا کلاس پنجم ابتدائی درس می‌خوانند. روستا دارای یک مسجد است که در مواقع محرم و ماه رمضان روستائیان مراسم عزاداری را در آنجا برپا می‌کنند. اکثر مردان در محرم سینه‌زنی می‌کنند و زنان در محلی جداگانه خود به‌عزاداری می‌پردازند.

یک سیّد بنام آقا صمد گردانندهٔ مراسم عزاداری روستا بوده است و هر سال هر خانوار ۳ یا ۴ مرغ و خروس و مقداری شیر و پنیر بعنوان «نذر» به‌وی می‌داده‌اند!

مسکن

همهٔ خانه‌های روستا (بجز خانه‌های اربابی که مصالح مستحکم در ساختن آن بکار رفته است) در زلزله سال ۴۱ منطقه قزوین ویران شده و خانه‌های فعلی که غالباً کاه‌گلی هستند پس از آن سال دوباره تعمیر شده و بودجه‌ای را که دولت برای تعمیر خانه‌ها در نظر گرفته بود به‌گفته اهالی با هزینه آن علی‌محمدخان یک خانه ویلائی برای خود ساخته است. بعلت کاربرد مصالح نامناسب غالب خانه‌ها بسیار آسیب‌پذیر بوده و در صورت زلزله همگی دوباره ویران خواهند شد. خانه‌های روستائیان شامل یک حیاط کوچک که طویله در آن قرار دارد و یک اطاق برای زندگی روستائیان می‌شود و مستراح نیز در همین حیاط قرار دارد. یکی از فوری‌ترین نیازهای روستائیان رسیدگی به‌وضع مسکن و مسائل بهداشتی آن می‌باشد.

کشاورزی

زارعین از ۲۰ روز پس از بهار شروع به‌کار کرده و در اواسط پائیز کار برداشت محصول و شخم دوبارهٔ زمین پایان می‌یابد و با سردی هوا به‌خانه‌ها و آتش کرسی پناه می‌برند. اکثر زارعین برای شخم زمین از چهارپایان و از وسائل خرمن‌کوبی و شخم چوبی استفاده می‌کنند. یک تراکتور که متعلق بدو نفر می‌باشد در ده موجود است، امّا برای استفاده از آن باید ساعتی ۴۰ تومان کرایه پرداخت و بدین ترتیب اکثر کشاورزان قادر به‌استفاده از آن نیستند.

مشکلات روستا

با مشاهدهٔ عینی و شرکت در زندگی روستائیان بسادگی میتوان دریافت که مشکلات عمدهٔ روستائیان ناشی از نظام ارباب و رعیتی و ظلم بی‌اندازهٔ خوانین میباشد. در طول دورهٔ جنبش انقلابی یکساله، ایادی خوانین در روستا بر علیه نهضت و امام خمینی همواره شایعات گسترده‌ای می‌پراکندند و تهدید به‌آتش زدن خرمن‌ها و آزار زنان و کودکان در صورت نپرداختن عوارض و بهرهٔ مالکانه، میکرده‌اند.

این تحریکات باعث بوجود آمدن جوّ ترس و وحشت در میان روستائیان میشد. یک روز صبح زود خبر میرسد سه تن از مالکین بروستا آمده‌اند و پس از مشاهدهٔ خروج سه اتوموبیل از جادهٔ بالای ده، روستائیان که بشدت تحریک شده بودند به‌خانه‌های اربابی رفته و در و پنجره‌های آنها را خرد کرده و دیوارهای باغچه را فرو می‌ریزند تعدادی از درختان را نیز قطع می‌کنند وقتی از روستائیان علت این امر را پرسیدیم در جواب گفتند «مالانهٔ زنبور را خراب کردیم تا دیگر زنبوری بده نیآید».

البته خانه یکی از مالکین باسم مسعود هژبر کیانی بدلیل جور و ستم‌های بیش از اندازه‌اش به‌روستائیان، قبل از انقلاب (اواسط دیماه) آتش زده شده بود.

پس از این واقعه باز هم ایادی مالکین دست از تحریک برنداشته و متناوباً تهدید به‌آتش زدن خرمنها و آزار زنان روستائی، در صورت نپرداختن بهرهٔ مالکانه و قسط سالانه، می‌نمایند. و هم‌اکنون عمده‌ترین مسئله روستا، امنیت روستائیان و محصول آنان است. حتی در روستائی بنام علی‌آباد، نمایندهٔ یکی از خوانین که شخصی است بنام خیراله قدیانی، بروستا رفته و مانع از برداشت محصول آنان میشود و همچنین از شخم زمینها بوسیله تراکتور روستائیان جلوگیری بعمل آورده و ادامه عمل را موکول به‌پرداخت عوارض مالکانه می‌نماید.

بنابراین عمده‌ترین انتظار زارعین از دولت و رهبری انقلاب در شرایط کنونی، حفظ امنیت روستا و جلوگیری از ورود خوانین و ایادی آنان بروستا و تحریکات آنان می‌باشد. هم‌چنین زارعین خواستار اجرای قوانین اسلامی درباره کشاورزی و زراعت و تقسیم محصول می‌باشند.

ظلم و ستم خوانین و شکایات روستائیان

مشکلات روستائیان بسیار گسترده و متنوعند. آب، تکنولوژی کشاورزی، مسکن، بهداشت، امکانات فرهنگی و... ابعادی از این مشکلات را دربر می‌گیرند. امّا مسئله عمده در این مرحله همانطور که در بالا ذکر شد، مسئله مالک و تجاوزوی به‌حریم زارعین است. آنچه روستائیان دربارهٔ ظلم و تعدی خوانین یادآوری میکردند، قصه نسلها رنج و استثمار شدید و ستم ناروا است. مشهدی قربان از زارعین همین روستای مصرآباد میگفت که هاشم‌خان پدر سرهنگ فرهاد کیانی به‌بیضه‌های پدر وی آفتابه می‌آویزان کرده و بارها اورا شکنجه کرده است. خود وی نیز بعلت اینکه حاضر نبوده است در یکسال دوبار عوارض مالکانه بپردازد، دستانش را «اشگل» کردند یعنی لای انگشتانش دو قطعه چوب گذارده و آنقدر فشار می‌دهند که از زیر ناخنهایش خون جاری شود. وی می‌گفت که همین خان از این روستا و روستاهای اطراف سالانه سه خروار روغن حیوانی و از هر خانواده‌ائی چند مرغ و خروس و کاه و یونجه و میوه و غیره با زور می‌گرفته است. روستائیان به‌یاد می‌آورند که خود و کودکانشان از روستاهای چند فرسنگ آنطرفتر سنگ و گچ بمصرآباد آوردند تا برای خان، خانه اربابی بسازند.

روستائیان بیگاریهای نسل اندر نسل خودرا بیاد می‌آورند. یکی از روستائیان می‌گفت «آقا وقتی که زلزله آمد، ما ۱۲ خانوار در یک چادر کوچک زندگی می‌کردیم، حالا هم حاضریم که ۱۲ خانوار در یک چادر زندگی کنیم اما خان دوباره بده نیاید». «البته همان چادرها را هم که از طرف قرائه بمعما اهدا شده بود، بعدها با تبانی خوانین و شیروخورشید از دستمان درآوردند».

روستائیان می‌گفتند «مگر دولت طرفدار مظلومین نیست؟!».

حتی اگر فرض کنیم که این زمینها متعلق به‌خوانین بوده است، آیا بعداز اینهمه سال پرداخت بهرهٔ مالکانه و قسط و عوارض ما هنوز هم باید به‌آنها بدهکار باشیم؟

یکی دیگر گفت «آقا شما از ما می‌پرسی، مشکلاتتان چیست؟ اگر قرار باشد که با آمدن خان ما از این ده فرار کنیم، دیگر آب آشامیدنی و وسائل کشاورزی را می‌خواهیم چه کنیم»؟

زارعین پیشنهاد کردند که امسال حاضرند بجای پرداخت عوارض و بهرهٔ مالکانه بمالک، با صرفه‌جوئی در مصرف صد خروار از گندم و جو خودرا به‌قیمت عادلانه به‌ادارهٔ غلّه بفروشند.

مکانیسم بدهکاری زارعین و شکایت اهالی مصرآباد

پس از ثبت یک قطعه زمین که در مرحله اوّل (یا مراحل بعدی) اصلاحات ارضی از طرف مالک به‌یک زارع واگذار می‌شد، طبق قراردادی ۱۲ یا ۱۵ ساله، قبوض پرداخت اقساط از طرف اداره ثبت، اسناد و با بانک کشاورزی به‌تعداد سالهای قرارداد صادر می‌شد و مالک حق داشت که هر سال با مراجعه به‌کشاورزان، در مقابل تحویل یک قبض به‌زارع مبلغ مربوطه را از وی دریافت کند.

اما مالکین با تبانی با ژاندارمری، با آوردن چند ژاندارم به‌روستا از هر زارع مبلغی بیش از قرارداد سالانه با زور دریافت کرده و در مقابل یک رسید دستی بوی می‌داده است. و از طرف دیگر مالک مجاز بوده است که قبوض طلبکاری را مستقیماً به‌بانک کشاورزی فروخته و بعدها کشاورزان با محاسبه دیرکرد قسط خودرا به‌بانک بپردازند.

بدین ترتیب مالک از بانک کشاورزی هم در ازاء فروش قبوض سالانه مبلغی دریافت می‌کرده و پرداخت بدهی را با محاسبه دیرکرد با بهره ۱۲٪ به‌زارعین محوّل می‌نموده.

به‌بیان دیگر مالک یکبار به‌زور ژاندارم از زارع و یکبار هم با قبض بدهکاری از بانک، پول دریافت می‌کرده است در این مورد اسناد رسیدهای دستی و قبوض بانک موجودند و در صورت لزوم می‌توان بدانها مراجعه کرد.

هم اکنون:

پس از پیروزی مرحله اوّل انقلاب، بانک کشاورزی از زارعین این قریه تقاضای پرداخت چند سال وجه قبوض بدهکاری و ۱۲٪ بهره دیرکرد آن را دارد.

و زارعین که یکبار این بدهی را زیر سایه ژاندارم به‌مالک پرداخته‌اند حاضر به‌پرداخت دوبارهٔ آن نبوده و شکایتی را تسلیم مقامات مسئول نموده‌اند. بعنوان مثال ۱۹ خانوار اهالی روستای چاه‌برف حاضرند همگی

بقیه در صفحه ۶

پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی اسلامی کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، دانشگاهیان، معلمین، سربازان، درجه‌داران، افسران، اصناف، کارمندان و شوراهای محلی

ستارمردی که مبارزه زندگیش بود (۲)

بعد از یک آرامش نسبی، ستار با هفده‌تن از یارانش دست بکار می‌زند که بحق از پایداری اوست عملی که از نهایت شجاعت و کاردانی و ایمانش بمبارزه نشأت میگرفت. او با برانداختن بیرقهای ذلت و زبونی مردم را بمبارزه می‌خواند، مردم که از دیدن ستار آنهم با نیروهای اندکش، که اقدام بکاری بس بزرگ کرده بود ، بوجد آمده و به‌او می‌پیوندند تا نهان صدای زنده باد ستار، زنده‌باد مشروطه کوچه‌ها را پر میکند. صفوف دشمن شکسته میشود او تا ارک می‌تازد و پیش می‌رود، در اندک مدتی وضع بهم می‌خورد. مردم با قلبی آکنده از شور انقلابی و آزادیخواهی به‌او می‌پیوندند و سربازان زیادی را خلع‌سلاح می‌نمایند. ستار خان با پیغام به‌باقر او را بمبارزه وامیدارد، مبارزینی چون شیخ علی‌اصغر و میر کریم نیز در مسجد صمصام که تنها سنگر بسیج مبارزین بود، به‌تهیج مردم می‌پردازند و آنها را بحمایت از ستار و مقاومت در مقابل ارتجاع حاکم دعوت میکنند. مجاهدین ستار و باقر به‌باغ شمال محل استقرار رحیم‌خان تاخته و او را که غافلگیر شده بود، از باغ بیرون می‌رانند و آنجا را به‌تصرف خود درمی‌آورند. بعد از این حمله غافل گیرکننده‌و موفقیت‌آمیز، ستار به‌تجدید فعالیت انجمن، همت میگمارد و با برافراشتن بیرقی و گماردن مجاهدینی بفرماندهی حسین‌خان باغبان به‌تجلیل از انجمن می‌پردازد. او که مردی جدی و مجاهد است. به‌آرایش نظامی مجاهدین می‌پردازد، با تقسیم آنها به‌گروههای ده و بیست نفری و با انتخاب یک فرمانده برای هر گروه آنها هر چه بیشتر تحت یک نظم و قاعده نظامی در می‌آورد. از طرفی با ایجاد کمسیون اعانه برای مجاهدین ماهیانه‌ای تعیین می‌نماید. در مورد تحویل اسلحه و فشنگ دستورات لازم را بفرماندهان می‌دهد سنگربندی در کوبها و محلات شروع میشود و برای جلوگیری از تاراج بازار عده‌ای از مجاهدین را بحفاظت آنجا می‌گمارد. که اگر نقطه‌نظر نظامی کارهای ستار مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گیرد ارزش نظامی و فرماندهی این فرد بیشتر نمایان میشود. و بدینگونه یک انسجام نسبی در کارها صورت میگیرد. با تسخیر مجدد ارک و دستیابی به‌توپ و حدود دویست هزار قبضه تفنگ قدرت تسلیحاتی مجاهدین افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد.

اکنون دیگر آوازه ستار، از مرزهای ایران گذشته است. علمای نجف بیاری تبریز می‌شتابند و با صدور اعلامیه‌هایی به‌تقویت معنوی مجاهدین می‌پردازند و در فتوایی در رابطه با محاصره تبریز می‌نویسند: «... ریختن بسر تبریزی‌ها بمنزله جنگ با امام زمان است...» این فتواها در تقویت مجاهدین بسیار موثر می‌افتد آنهم در زمانیکه مبارزین و آزادیخواهان از طرف مشتی مرتجع و قشری، «بهائی» و «بیدین» خطاب و معرفی میشدند، و در پاکسازی و تشنج‌زدائی افکار مردم اثر عمیقی میگذارد و از آن به‌بعد سیل کمک‌های مادی و معنوی بطرف مجاهدین سرازیر میشود بطوریکه ستار همیشه میگفت «من حکم علمای نجف را عمل میکنم». از طرفی رسیدن نیروهای گرجی و ارمنی از قفقاز از طرف حزب «اجتماعیون عامیون» که اکثراً متخصص در بمب و نارنجک سازی بودند کمک شایانی به‌مجاهدین میکند.

* * *

رحیم‌خان سعی میکند قبل از رسیدن عین‌الدوله و سپهدار کار ستار را یکسره سازد با بسیج یک نیروی هفت هزار نفری به‌امیر خیز حمله می‌برد اما با دادن کشته‌های زیاد عقب می‌نشیند و عملاً به‌این نتیجه می‌رسد که بدون عین‌الدوله قادر بمقابله با مجاهدین نیست با رسیدن عین‌الدوله و سپهدار و استقرارشان در اطراف تبریز، تعادل قوا بهم می‌خورد. عین‌الدوله با همان شیوه‌های مزورانه و همیشگیش سعی میکند با رأفت‌های ملوکانه و وعده و وعید مردم را وادار به‌تسلیم نماید. ما کاری از پیش نمی‌برد هنوز یک هفته از ورودش نگذشته که دست بیک حمله غافل‌گیر کننده می‌زند، نیروهای او و سایرین از چند جهت حمله می‌کنند ولی شکست خورده و برمی‌گردند. مردم هرگز روحیه مبارزاتی خود را نمی‌بازند همه روز با گردهمایی مسلحانه خود را در انجمن و مساجد و همبستگی خود را بیش از پیش با مجاهدین اعلام میدارند.

مبارزات بی‌امان ستار تبریز را بصورت کانون مبارزات مردمی و مرکز قانونی ایران در می‌آورد. انجمن ایالتی نقش مجلس را بعهده می‌گیرد و با انتشار روزنامه «ناله ملت» در پیشبرد افکار مردم گامهای موثری برمیدارد.

این روزنامه که در مقالات اولیه‌اش بر مبنای ستمکاری رژیم و ستمدیدگی ملت حرکت میکرد، بتدریج با تغییر روند مقالات با تکیه و تاکید بر قدرت و ایمان و پیروزهای ملت و ضعف و زبونی دولت در بسیج افکار عمومی نقش مهمی را ایفا میکند. علاوه بر این روزنامه قبلی انجمن نیز مجدداً شروع بکار میکند و از طرفی دیگر با پخش جزواتی به‌روشنگری مردم می‌پردازد و با ایجاد بیمارستان گامهای موثری در جهت اهمیت و کاردانی خود برمیدارد.

کنترل و انسجام نسبی شهر، دوباره نیروهای متخاصم را به‌حمله وامیدارد بخصوص که نیروهای ماکو نیز بسوی تبریز در حرکت بودند، ستار دست به‌حمله تهاجمی به‌نیروهای ماکو می‌زند، تا جلو پیش روی آنها را بگیرد ولی در گرماگرم پیروزی عده‌ای از مجاهدین غافل از مبارزه یغارت می‌پردازند و نتیجه پیروزی را بباد می‌دهند، این بود که ستار دستور میدهد بعد از این هر مجاهدیکه بغارت پرداخت، اعدام انقلابی گردد. این یکی از خصلت‌های بزرگ ستارخان، بود، یعنی قاطعیت و مصمم بودن که بزرگترین نقش را در رهبری او بازی میکردند، دشمن که با حملات مکرّر خود قادر نمیشود کاری از پیش ببرد بخصوص بعد از شکست نیروهای ماکو تنها راه را بستن آذوقه بروی شهر می‌بیند تا مبارزینی را که قادر نشده بود در میدان مبارزه شکست بدهد، شاید از طریق اعمال گرسنگی به‌تسلیم وادارد ولی مجاهدین بی‌اعتنا به‌تمام این دسیسه‌ها بمقاومت ادامه میدهند، رسیدن فتوای علمای نجف در تجدید روحیه مجاهدین اثر بسزایی میگذارد، «... بستن راه خواربار بر روی آن شهر (تبریز) در حکم بستن آب فرات بروی اصحاب سیدالشهداء است...». مجاهدین با ایمانی راسخ و اراده‌ای استوار به‌مبارزه ادامه میدهند و دسائس دشمن بباد مسخره میگیرند.

عین‌الدوله که در اثر شکست‌های پی‌درپی، از جانب شاه تحت فشار قرار میگیرد، دست بیک حقه سیاسی می‌زند بدین معنی که به‌شهر و مبارزین اولتیماتوم میدهد که اگر تا ۴۸ ساعت تسلیم نشده و اسلحه‌ها را زمین نگذارند، بکسی رحم نخواهد کرد و طوری وانمود میکند که گویا تا بحال بطور جدّی جنگ نمی‌کرده است که ستارخان جواب میدهد. «مگر تا امروز شوخی میکرده، که اکنون میخواهد بجنگد.»

عین‌الدوله روز سوم بکمک سایر نیروها دست بیک حمله همه‌جانبه می‌زند، و شهر را به‌رگبار گلوله‌های توپ و تفنگ می‌بندد، عده‌ای تا نزدیکی انجمن حقیقت، محل استقرار ستار پیش می‌روند و این در واقع شگرد خاص ستارخان بود که با شیوه‌های بخصوصی دشمن را بدرون شهر و به‌پیچ و خم کوچه و خیابانها و اطراف مقر خودش می‌کشید سپس بی‌محابا با یارانش چون عقابی بر سر خصم می‌ریخت و به‌شکار دشمن می‌پرداخت، رشادت و دلیری ستارخان که از خصلت‌های بارز سردار بود، از مهم‌ترین عوامل پیروزی مجاهدین بود. این شجاعت که از ایمان بمبارزه ستار نشأت میگیرد تعیین کننده‌ترین نقش‌ها را در نبرد با حریف و خصم بازی میکرد. شکست‌های متوالی خصم بتدریج تخم، یاس و ناامیدی و نفاق را در بین سربازان و فرماندهان میکاشت، تا جائیکه می‌بینیم سپهدار که زبونانه هوا را پس می‌بیند، ماسک مشروطه‌خواهی بچهره می‌زند و در صدد پیوستن به‌مجاهدین برمی‌آید ولی ستار و باقر خواست او را رد کرده و در عوض او را به‌ترک محل و شروع مبارزه در شهر خود می‌نمایند و او از اطراف تبریز برمی‌خیزد. از این به‌بعد مجاهدین روند جنگ را عوض میکنند برخلاف حالت تدافعی سابق، دست به‌حملات تهاجمی می‌زنند و در اولین حمله کوه سوق‌الجیشی «قلّه» را که منطقه‌ای بین «دوچی» و نیروهای مستقر در باغ صاحبدیوانی است تسخیر میکنند و حرکات دشمن را بیش از پیش زیر نظر می‌گیرند و رابطه آنها را قطع میکنند. بلافاصله با حمله نیروهای باقرخان انسجام درونی اردوگاه عین‌الدوله از هم می‌پاشد و ترس در سنگرها حاکم میشود و سربازانی که اکثراً برای چپاول و غارت و یا به‌طمع جایزه صد هزار روبلی برای سر ستارخان به‌تبریز کشیده شده بودند، گروه گروه از اردوگاهها فرار میکنند و حتی عده‌ای نیز به‌مجاهدین می‌پیوندند. در حمله دیگری بساط اسلامیه نشینان را درهم می‌نوردند و منطقه را به‌تسخیر خود در می‌آورند بطوریکه امام جمعه و مجتهد و میرزا حسن و..... فرار را بر قرار ترجیح میدهند.

عین‌الدوله بناچار به‌چند فرسنگی تبریز (باسمنج) عقب می‌نشیند تا جائیکه در اثر فشارهای بیشتر رژیم مجبور به‌استعفا میشود. رحیم‌خان و سایر فرماندهان که جای عین‌الدوله را می‌گیرند با حمله مجدد باقرخان عقب می‌نشیند و از این به‌بعد هر کدام از فرماندهان به‌جائی می‌روند. عین‌الدوله با قزلجه میدان، رحیم خان به‌قرجه‌داغ و... می‌روند و بدینگونه بعد از ماهها مبارزه فصل نویتی در تاریخ مبارزات تبریز گشوده میشود. نهضت در شهر نضج میگیرد. خوی، سلماس و مرند به‌تسخیر مجاهدین در می‌آیند.

استبداد که از مقاومت‌های دلیرانه تبریز و شکست نیروهای خود و پیشروی مجاهدین به‌سایر شهرهای آذربایجان و از تبدیل تبریز به‌پایگاه انقلاب شدیداً بهراس افتاده است و از اینکه مبادا شعله‌های انقلاب بسایر شهرها سرایت بکند دسته‌های قزاق را از طرفی و نیروهای صمد خان و ارشدالدوله از طرف دیگر اعزام میدارد و چند دسته مسلسل‌چی نیز بفرماندهی رضا خان سوادکوهی برای تقویت سربازان گیل میدارد، در این مقطع تبریز با بیش از چهل‌هزار نفر سرباز مسلح احاطه شده بود اما خم به‌ابرو نمی‌آورد و مردانه مقاومت می‌کند. در حالیکه سال ۱۲۸۷ می‌رود که بپایان خود نزدیک شود این نیروی عظیم بشهر از چندین جهت با توپ و مسلسل می‌تازند، در چندین جبهه جنگ‌های شدیدی رخ میدهد. و سخت‌ترین آنها در منطقه «خطیب» بود، مجاهدین در مقابل نیروهای صمدخان تحمل نیاورده و عقب می‌نشینند، ستار که با دوربین منطقه را می‌پائید، با دیدن فرار مجاهدین فریاد برمی‌آورد که «بچه را کشتند» و با اسب یک تنه به‌صحنه می‌تازد و بدون توجه بمجاهدینی که فرار میکردند، پیش می‌رود و در پشت دیواری سنگر می‌گیرد و بشکار دشمن می‌پردازد مجاهدین که با دیدن ستار جان تازه یافته بودند باز می‌گردند با رسیدن بمب اندازهای گرجی در اندک مدتی سرنوشت جنگ برمی‌گردد. و مهاجمین عقب می‌نشینند، حضور ستار در هر سنگری در برد جنگ و پیروزی اثر قطعی داشت، او در خطرناک‌ترین لحظه‌های پیکار در مقدم‌ترین صف جبهه به‌نبرد و پایمردی می‌پرداخت و در هر سنگری که دشمن زور می‌آورد و مجاهدین در تنگنا. می‌افتادند، ستار صاعقه‌وار فرود می‌آمد و در اندک مدتی صفوف دشمن را میشکافت. هر جا که فریاد «سردار گلدی» (سردار آمد) از گلوی مجاهد شوق‌زده‌ای بلند میشد دگرگونی عجیبی در روحیه آنان ایجاد میشد و مبارزان سر از پا نشناخته بمبارزه ادامه میدادند. مردی که در مقابل عظیم‌ترین مشکلات خم به‌ابرو نمی‌آورد و همیشه با آن صفا و سادگی خاص خودش می‌گفت «آزادان، آز چوخدان چوخ قبر یلار» یعنی از کم کمتر و از زیاد، زیادتر کشته میشود. الحق اینگونه نیز بود مجاهدین بجز در یک جنگ، در تمامی نبردها همیشه پیروز و سربلند بیرون آمدند و کمترین شهید را دادند و تمامی این‌ها مدیون مقاومت و سرسختی و رهبری قاطعانه ستار بود. مردی که معتقد بود آنچه را که شدنی است باید انجام داد و یک لحظه هم درنگ نکرد. اساساً آنکس می‌تواند انقلاب را ایجاد و رهبری کند که خود قبل از هر کس بدان ایمان داشته باشد و پیش از هر کس برایش جانفشانی بکند و ستار چنین مردی بود. این مرد با تمام شجاعت و دلیری و موقعیتی که داشت بی‌ریا و ساده می‌زیست و بدور از همه وابستگی‌های شغلی و مقامی و... بمبارزه عشق می‌ورزید. عشقش ناشی از اعتقادی بود که بمبارزه و انقلاب داشت و مردی بود که در کوره راههای انقلاب و در امواج پرتلاطم مبارزه آبدیده شد و صداقت و جوانمردی آموخته بود بیک معنی وی **انسانی بود خودساخته که مبارزه زندگیش بود و زندگی، مبارزه‌اش.**

چنین خصلت‌هائی همیشه او را دربین جمع متمایز میکرد.

چندین ماه مبارزه و گرسنگی مردم را در فشار شدیدی قرار داده است سال پایان خود نزدیک میشود با فرا رسیدن بهار مجاهدین برای گشودن راه آذوقه دست بحمله بزرگی می‌زنند و در این جنگ که در «ساری داغ» رخ داد مجاهدین برای اولین بار شکست خورده و شهدای زیادی دادند. ولی راه آذوقه باز نشد، آثار گرسنگی در شهر ظاهر و نمایانتر میشد، با روئیدن علف‌ها مردم به‌یونجه‌زارها و علف‌های صحرا هجوم می‌برند. مردمی که با علف سدجوع کردند ولی ننگ تسلیم را بجان نخریدند. رژیم که از این طریق نیز نتوانسته است تبریز را به‌مصالحه و سازش بکشاند و از طرفی از اوج‌گیری مبارزه ترس دارد با میانجیگری سفارت‌های روس و انگلیس باب مذاکرات آشتی را باز میکند. مجاهدین شرط آشتی را،

۱ ــ پذیرش مشروطه ۲ ــ عدم بازداشت آزادیخواهان ۳ ــ ترک محاصره شهر ۴ ــ اعمال نکردن خلع سلاح عمومی ۵ ــ انتخاب والی با تأئید مردم. قرار میدهند از همان اول پیدا بود که رژیم زیربار چنین پیشنهادی نمی‌رود و نرفت ستار و باقر، فرصت را مغتنم شمرده دست بیک حمله همه‌جانبه می‌زنند در گرماگرم جنگ خبر قبول ورود آذوقه بشهر به‌ستار می‌رسد. فوراً دستور میدهد جنگ قطع شود ولی متأسفانه هرگز غذا وارد شهر نمیشود.

بقیه در صفحه ۲

جنجالی که به مصلحت انقلاب نیست

«زیان کرد آنکس که دروغ گفت، نابود شد آنکه ادعا کرد و هلاک شد آنکس که با حق سطحی برخورد کرد.» علی (ع).

پس از گذشتن بیش از دو ماه از دستگیری محمد رضا سعادتی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران مسائلی که در این رابطه بوسیله عناصر، گروهها و ارگانهای رسمی مطرح می‌شوند هر روز ابعاد گسترده‌تری گرفته و مجموعاً شرایط متشتّت و جوّ آشفته‌ای را آفریده‌اند که در مقطع کنونی با توجه به‌مسائل اساسی که در جامعه مطرحند از قبیل طرح قانون اساسی، اصل شوراها، «ملی»شدن صنایع و... امکان برخورداری از یک جوّ سالم و دمکراتیک به‌منظور برخورد با این مسائل را غیرممکن می‌سازد.

باید دید که چه کسانی این مسئله را مستمسک قرار داده و با حیثیت سازمان مجاهدین بازی می‌کنند و بدینوسیله جنگ تبلیغاتی علیه آنان راه می‌اندازند. در اینجا قصد ما دفاع از سازمان فوق نیست امّا باید دید که آیا با توسل به‌مسئله سعادتی می‌توان میراث پرافتخار این سازمان را که با خون و شهادت توام است خوشه‌دار نمود و یا توسل به‌این حربه عملکرد چندین‌سالهٔ آنرا زیر سئوال گرفت؟

در مورد ارتباط سعادتی با دبیر اوّل سفارت شوروی باید گفت که عمل یک سازمان انقلابی را قبل از پیروزی انقلاب بخاطر داشتن رابطه با کشورها و یا سازمانهای خارجی، مادام که از مسیر انقلابی خود منحرف نگشته و در جهت منافع اکثریت جامعه در حرکت است قابل توجیه است امّا این رابطه اگر پس از انقلاب نیز، بدون اطلاع رهبران انقلاب، ادامه یابد قابل انتقاد می‌باشد و یک خطا محسوب میشود. و معتقدیم که مقامات مسئول و رهبران انقلاب، با دیدی وراء دگمهای، گروهی و صنفی، باید به‌این مسئله رسیدگی نمایند.

امّا در چند روز گذشته شاهد برخوردهای غیر اصولی و موذیانه‌ای از جانب گروههائی و حتی ارگانهای رسمی بوده‌ایم که ما را ناچار به‌برخورد به‌این مسئله می‌نماید.

پیچیده شدن ماجرا را بدون شک باید در اقدام به‌چاپ و انتشار غیر مسئولانه مدارک بازجوئی سعادتی از جانب «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» که حداقل بطور علنی هیچیک از ارگانهای رسمی انقلاب نیست، جستجو کرد. چه آنها اگر احساس مسئولیت‌ای که ادعایش را دارند می‌کردند، باید تشخیص می‌دادند که تضاد اصلی انقلاب در این مرحله تضاد گروههای اسلامی نیست در این مرحله این امپریالیسم جهانخوار آمریکا است که در کمین نشسته است و می‌خواهد طبق طرح آقای برژینسکی با ایجاد آشوب و جنگ داخلی، کودتائی تحت لوای دفاع از «اسلام» و برقراری «امنیت» براه بیاندازد و با بروی کار آوردن «ضیاءالحق» مانندی با نام اسلام روابط پشین را برقرار سازد.

سازمان مجاهدین خلق ایران نیز به‌عوض اینکه مسئله را از ابتدا با خلق ایران در میان بگذارند با تکیه بر مسئله شکنجه بیشتر به‌این بازار آشفته دامن زد. البته این امر که سعادتی بوسیله افراد مستقر در کمیته سفارت آمریکا مضروب شده از نظر ما محکوم است. در این موارد امیدواریم که طرفین درگیر و مقامات مسئول هر چه زودتر و در یک جو دمکراتیک و فارغ از دگمهای گروهی به‌قضاوت در این‌باره نشسته و نتیجه را در اختیار مردم بگذارند.

امّا سخنی هم با رادیو و تلویزیون و ارگانهای مطبوعاتی گروهها داریم. ما خود برای اطلاع از کم و کیف جریان و اینکه وقوع حوادثی را از قبیل آنچه در جریان تظاهرات دانشجویان مسلمان دانشگاههای تهران رخ داد پیش‌بینی می‌کردیم، در تظاهرات روز سه شنبه حاضر بودیم. ما به‌رأی‌العین دیدیم که عدهٔ آن باصطلاح «مخالفین» به ۲۰۰ نفر هم نمی‌رسید و از ابتدا با تحریک و حملات متعدد به‌صف راهپیمایان و بستن راه آنان موجب اخلال و آشفتگی امور می‌شدند. چهرهٔ این «مخالفین» اینک دیگر برای همهٔ آنها که به‌دانشگاه تهران رفت و آمد می‌کنند، آشنا است. راستی این «مخالفین» چه کسانی هستند؟ با چه چیز مخالفند و با چه آرمان و گروه و حزبی موافق؟ چرا دولت در این مورد عملی انجام نمی‌دهد؟ آیا حق تظاهرات و برگزاری میتینگ تنها متعلق به‌گروههائی خاص است؟ آیا بهتر نیست که عوض بهم ریختن مراسم دیگران در مکانی دیگر و یا روزی دیگر ما هم بطور مسالمت‌آمیز به‌بیان مخالفت خود با هر گروه و دسته و طرز فکری که با آن مخالفیم بپردازیم. امیدواریم که این عمل آگاهانه نباشد. امّا اینکه رادیو و تلویزیون و ارگانهای حزبی و غیره این گروه «آشنا» را «هزاران نفر» از مردم می‌خوانند و از قول آنان شعارهای دروغ می‌دهند، به‌معنی تأئید عمل آنان است! اگر ما به‌نویسندهٔ «تاریخ نوین ایران» جناب ایوانف انتقاد می‌کنیم که تاریخ را وارونه نوشته و حقایق را قلب نموده است و با اینکار نسلها را سر در گم می‌کند، هرگز خود مجاز به‌استفاده از چنین شیوه‌هائی نیستیم. باید به‌یاد داشته باشیم که در مکتب ما «هدف وسیله را توجیه نمی‌کند». نباید از هم اکنون برای نسل آینده سندهای مجعول و قلب شده بیادگار بگذاریم و خود باعث سر در گمی نسلهای آینده شویم! نباید و بعنوان مسلمان، نمی‌توانیم، اصول را فدای اهداف و مقاصد گروهی و حزبی خود بنمائیم و یا حداقل، اگر نمودیم، دیگر نمی‌توان ما را مسلمان نامید! آنان که با مسائل ترکیه و یونان و اسپانیا آشنائی دارند، می‌دانند که ادامه کار این «مخالفین» آشنا در شرایطی مانند شرایط امروز جامعهٔ ایران به‌کجا خواهد کشید. این که به‌هر گروه و دسته‌ای اجازه دهیم مراسم مخالفان را بهر نحوی که بخواهند بر هم زنند، احترام به‌آزادی نیست، دمکراسی نیست. از این نوع دمکراسی در ترکیه و اسپانیا هم وجود دارد. امّا مردم ما ۶۰ هزار شهید را ندارند که دمکراسی «خوان کارلوس» را به‌موی اعطا کنند! آیا همینکه به‌هر پاسداران قم با نارنجک حمله می‌کنند و سپس در شهر شایع می‌کنند که اینکارا «مجاهدین» کرده‌اند تا جنگ و برادرکشی راه بیاندازند نباید ما را از خواب خرگوشی بیدار، کند. نباید به‌هشدارهای امام و آیت‌الله طالقانی گوش فرا دهیم که انقلاب در خطر است و از گروه‌گرایی و خود محوربینی دست برداریم. آیا ولع کسب قدرت و بیرون راندن حریف از صحنه، اینقدر جلو چشمان ما را گرفته است که رد پای ساواک و عوامل امپریالیسم را، که تا این حد مشهود است، نمی‌توانیم مشاهده کنیم؟

بنظر ما دولت و مقامات مسئول باید بجای اظهار عدم مسئولیت، مسئولیت خود را دریابند و هر چه زودتر به‌این مسئله در یک محیط دمکراتیک رسیدگی کرده و فرصت برخورد به‌مسائل اساسی جامعه را به‌نیروهای مسئول بدهد.

گزارشی از روستا

بقیه از صفحه۵

بهر مرجع رسمی که مقتضی باشد مراجعه کرده و در این مورد شهادت بدهند. در همین روستا در سال ۵۳، مسعود هژبر کیانی به‌همراهی مأموری از اصلاحات ارضی به‌نام حیدر به‌ده مراجعه کرده و از روستائیان شناسنامه‌هایشان را گرفته و پس از یادداشت نام و مشخصات شناسنامه به‌شهر مراجعه کرده و بهرهٔ مالکانه را که ابتدا ۱۶۰ تومان بوده با تبانی همین مأمور به ۱۵۰۰ تومان تبدیل کرده‌اند. چندی بعد مسعودخان بده برگشته و می‌گوید: از این به‌بعد اجاره ۱۵۰۰ تومان است و هر کس نمی‌خواهد بهر کجا که می‌تواند فرار کند. چون روستائیان مقاومت کرده و به‌اصلاحات ارضی شکایت می‌کنند، مسعودخان با چند ژاندارم به‌روستا آمده و دستهای ۱۸ نفر از مردان را به‌یکدیگر بسته و همگی را پشت یک جیپ می‌بندند و پس از کتک زدن آنان بوسیله چوب گیلاس، ایشان را تا آب‌گرم (۳۰ کیلومتر) با همانحال می‌برند.

و بدین ترتیب حرکت اعتراضی روستائیان بوسیله ژاندارم و خان سرکوب می‌شود.

انتظارات روستائیان از دولت

روستائیان پس از تحمل این همه مشقات و ستم خوانین، پس از پیروزی مرحلهٔ اوّل انقلاب اسلامی از دولت تقاضا دارند که در مرحلهٔ اول بهر نحوی که خود مناسب می‌داند امنیت روستا و محصولات آنان را از دسیسه‌ها و تحریکات ایادی خوانین تأمین کند. به‌نظر آنان مشکل آب و بهداشت و غیره را در درازمدت می‌توان حل کرد اما مسئله فوری، رسیدگی به‌وضع آنان و مالکیت زمینها و محصولات آن می‌باشد.

آنان معتقدند که دولت باید با محاسبه وجوهی که قبلاً بمالکین پرداخته‌اند این نکته را مشخص کند که زمین و محصول آن که از کار زارع بدست می‌آید متعلق به‌چه کسی است. هم‌اکنون روستائیان از ترس حمله ایادی مالکین در وحشت بسر می‌برند و پرونده شکایت آنان در دادستانی کل انقلاب منتظر رسیدگی است. روستائیان همچنین در زمینه جهاد برای سازندگی که فرمان امام خمینی است خواستار کمک از دولت و مقامات مسئول و رسیدگی به‌علت آزاد شدن مسعود هژبر کیانی و بهرام اصلانی می‌باشند.

دنبالهٔ این گزارش در شماره‌های آینده خواهد آمد.

عین

درود بر آیت‌اله طالقانی، مجاهد نستوه

«تـرک‌های افسرده میخواهند غربی بمانند، امّا برایشان گران تـمام میشود.»

ترجمه از هرالدتریبون ۱۰ تیر ماه

اصطلاح «جکگوندو» که بمعنی «یک شبه ساخته شده» میباشد که درباره محله‌های فقیر نشین اطراف شهرهای ترکیه بکار برده میشود. علائم مشخص این محلات وجود فقر، بیماری و ناامیدی است. این محله‌ها اشاره‌ای میباشند بر نومیدی سیاسی و شکافهایی که در سطح کشور بوجود آمده‌اند و جلویشان را نمیتوان گرفت. علائمی که حکایت از یک فاجعه بزرگ برای ترکیه دارد.

اگر چه ترکیه، وارث امپراطوری، (عثمان) یکشبه ساخته نشد، اما جمعیت ۴۵ میلیونی‌اش بسطور روز افزونی آنرا «جکگوندو» مینامند.

همینطور که تابستان داغ بر سرزمین آناتولی گسترده میگردد، صدای گلوله‌ها در کوچه‌های تاریک مراکز متراکم شهر شنیده میشود و گروههای افراطی با بمب و مسلسل به‌نبرد با هم میپردازند. این اوضاع را میشود با یک ساختمان در حال ریزش مقایسه نمود.

در جنوب، خلیج فارس مسیر نفتی غرب را کنترل می‌کند، و فرض چنین است که ترکیه جناح جنوب شرقی ناتو را محافظت نماید. برحسب تئوری دومینو که مورد علاقه دیپلماتها میباشد، ترکیه میبایست راه ایران را دنبال کند. اگر چه بعضی عقیده دارند که شاید جناح عربی خلیج فارس زودتر در پی ایران حرکت نمایند. در حقیقت نه ترکیه و نه سرزمین‌های عربی خلیج فارس باندازه کافی مجهز نیستند تا بتوانند انتظارات غرب را برآورده کنند.

اخیراً «بلند اجویت»، نخست وزیر میانه مایل بچپ، اظهار داشت که «اگر ترکیه را بطرف دیوار فشار دهند، به‌بیرون از پنجره خواهد پرید» در حالیکه بعد از انکارهای مصرانه، وی بالاخره لیره ترکیه را برای بدست آوردن وام ۱/۵ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول، در حدود ۴۰٪ شناور نمود.

«مرد در حال مرگ»

بدست آوردن ضمانتی برای خارج شدن از موقعیت اسفناک ترکیه غیر ممکن مینماید. **ترکیه نیم قرن پیش بعنوان «مرد مریض اروپا» نامیده میشد، و امروز ممکن است مرد در حال مرگ اروپا اسم گذارده شود.** حتی اصطلاح اروپا در اینجا بی‌مسمی است: نود درصد ترکیه در آسیا قرار گرفته، و علیرغم کوشش‌های کمال آتاتورک برای اروپایی کردن ترکیه در نیم قرن گذشته، روحیه ترکها فصل اشتراک کمی با اروپا دارد.

آقای اجویت بهیچوجه مایل به‌رها کردن قدرت و سپردن آن به‌رقیب سیاسی‌اش سلیمان دمیرل رهبر حزب عدالت که نخست‌وزیر سابق بود، نمیباشد. آقای اجویت میتواند بر ۲۲۲ رای در مجلس ملی ۴۵۰ نفری حساب کند. (حزب وی ۴ رای تا اکثریت مطلق فاصله دارد) هفته گذشته که جلسه برای رای اعتماد در مجلس تشکیل میشد، افرادی از حزب خودش «حزب جمهوری مردم» در رای‌گیری شرکت نکردند، که حدنصاب نمیتوانست بدست آید. و در نتیجه رای‌گیری عقب افتاد!

اقتصاد ترکیه در وضع اسفناکی است، و سیستم سیاسی مبتنی بر درگیری بین نیروهای میباشد بوسیله تروریسم مشخص میشود. نیروهای نظامی که ۴۸۵ هزار نفر میباشد بطور نومیدانه‌ای از کارآیی افتاده‌اند. خشونت و وازدگی سیستم حاکم، قشر روشنفکر، و ارتش را کاملاً فرا گرفته است.

بعد از سالها نادیده گرفته شدن بوسیله غرب بخصوص آمریکا اکنون ترکیه چیزهایی دارد که امیدوارست با معامله پایا پای آنها خون جدیدی در شریانهای حیاتی‌اش بوجود آورد بلافاصله بعد از سرنگون شدن رژیم پهلوی شرایط ترکیه باعث روآوردن غرب بطرفش گردید. شرایط اینطور ایجاب کرده که ترکیه در این منطقه حساس و بی‌ثبات بعنوان آخرین امید غرب مدّ نظر باشد. علاوه بر این، ترکیه پایگاهی برای ۲۶ تاسیسات نظامی آمریکا میباشد که حداقل دوتای آنها برای جاسوسی روسیه مقبولیت نیز برای سالت ۲ دارند. ضمناً، فضای هوایی ترکیه برای پرواز هواپیماهای جاسوسی آمریکایی که نظارت بر سیلوهای اتمی روسیه و دیگر وسایل دارند، مورد احتیاج خواهد بود. موضوع پرواز هواپیمای جاسوس یو ــ ۲ از طریق خاک ترکیه برای چندین هفته مذاکرات بین آمریکا و ترکیه را در برگرفته است. در این رابطه آقای اجویت این نظر را میدهد که، «تا آنجا که روسها باین مسئله اعتراضی نداشته باشند، هیچگونه مشکلی پیش نخواهد آمد.»

چند روز قبل برفراز روابط تیره آمریکا و ترکیه یک بمب دیپلماتیک منفجر گردید. و آن اظهار نظر ژنرال «کنان اورن» رئیس ستاد ارتش ترکیه بود مبنی براینکه تا آمریکا کمک مالی به‌ترکیه نکند، «ما نمیتوانیم به‌پرواز یو ــ ۲ برفراز خاک ترکیه اجازه صادر کنیم.» آیا این طغیان یک ژنرال با نفوذ ارتشی که متلاطم و بی‌قرار است، بود، که دلالت بر عقب افتادن سیاستمداران از اوضاع دارد؟ با یکی دیگر از اخطارهای ارتش میباشد که بعد از آخرین کودتایش در ۱۹۷۱ میباشد؟

سؤالات هنوز مطرح هستند و سیاستمداران محافظه کارند. علیرغم تکذیب‌های سستی که ژنرال اورن در اینباره کرده، اما بنظر میرسد که هنوز بر این حرف ایستاده است در ناحیه ترک نشین قبرس افسران نیروی ۲۶۰۰۰ نفری ترکیه میگویند که اگر اجویت از کار بیافتد ارتش هیچ انتخابی بجز تصرف قدرت برای حفظ «دموکراسی ترکیه و میراث آتاتورک ندارد.»

«بسته یک بیلیاد دلاری»

پرزیدنت کارتر، که بوسیله طرفداران یونان در کنگره محدود شده است، برای پتصویب رساندن کمک نظامی ۵۰ میلیون دلاری به‌ترکیه دچار اشکال گردیده است. اگر همه چیز برای ترکیه بخوبی پیش رود، بهترین چیزی که آمریکا میتواند برای ترکیه انجام دهد تهیه کمک ۱ میلیارد دلاری برای دو سال آینده میباشد. اما بدبختانه، ترکیه به‌بیش از این مقدار احتیاج دارد.

پائیز گذشته آقای اجویت برای گرفتن قرض ۸ بیلیارد دلاری از بازار مشترک اروپا با آنها بمذاکره نشست. این مبلغ بقدری بزرگ بود که در اروپا ناباوری و عدم اعتماد نسبت بخود ترکیه ایجاد کرد. اما ترکیه ۱۴ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد، و صادراتش بزحمت هزینه سالیانه ۲ میلیاردی نفت را می‌پوشاند. بخاطر اینکه واردات مواد اولیه بطور مشخصی کاهش یافته، کارخانجات ترکیه با ۵۰ درصد ظرفیت تولیدشان بکار مشغول هستند. میزان تورم در حدود ۶۰ درصد میباشد. و بیکاری ۲۰ درصد از نیروی کار را در برمیگیرد.

برای غرب سئوال بزرگ اینست که آیا با تزریق کمک مالی میتواند کشوری را نجات دهد که تنگه استراتژیک بفروداردانل را کنترل می‌کند، و دارای مرزهای مشترک با ایران و عراق است، جائیکه ناسیونالیسم کردها بحرکت درآمده. (واضح است که مواضع این مقاله لزوماً مورد تائید ما نیست، بخصوص موضع این مقاله در مورد برادران کرد)

در پنج سال گذشته نیکسون، فورد، و کارتر احتیاج آمریکا را در نگاهداشتن و حمایت کردن ترکیه بعنوان یک قدرت نظامی اخطار کرده‌اند، اما کنگره آمریکا بیشتر مایل به‌تنبیه ترکیه بخاطر حمله‌اش به‌قبرس در سال ۱۹۷۴ بود، عملی که ترکیه برای حفظ استقلال قبرس انجام داد.

بعد از کودتای یونانی در قبرس جائیکه ترک‌ها ۱۹ در صد جمعیت ۶۵۰/۰۰۰ نفری را تشکیل میدهند، ترکها نزدیک به۴۰ درصد خاک قبرس را در اشغال خود دارند که احتمالاً تا حل مشکل قبرس و استقرار کامل اقلیت ترک با شرایط قابل قبول ارتش خود را از آنجا بیرون نخواهند آورد.

لغو تحریم تسلیحات آمریکا در اواخر تابستان گذشته، بعد از چک و چانه زدنهای بسیار مشروط به‌پیشرفت امور قبرس گردید. و قرار بر این شد که کارتر هر دو ماه در این مورد گزارش به‌کنگره بدهد که اخبار چندانی تا بحال مطرح ننموده است.

ترکها معامله متقابل را با اجازه مجدد به‌باز شدن تاسیسات آمریکایی انجام دادند که گفته میشود ۳۰ درصد از گزارشات آمریکا را در مورد روسیه جمع‌آوری میکردند. پایگاههای آمریکایی فعلاً براساس موافقت نامه‌های سست و موقتی که آبان ماه پایان میابد، در حال کار هستند. و گفتگوها برای بستن یک همکاری دائمی اقتصادی نظامی بموانع برخورد کرده است.

ترکیه یک طرح اقتصادی ــ دفاعی را ارائه داده، و مطرح مینماید که مسائل «اقتصادی ــ دفاعی جدا از هم نیستند.» آنها مایلند آمریکا برای ایجاد صنایع دفاعی و مدرنیزه کردن ارتش به‌ترکیه کمک نماید. آمریکا مایل نمیباشد ادامه کار پایگاههای خود را در ارتباط با قرار داد دیگری بگذارد، اما ترکیه خواستار کمک مستحکمی میباشد تا اوضاع کشور را سرو وضعی ببخشد.

هیئت آمریکایی در مذاکراتش نسبت به‌شرایط حاد ترکیه دلسوز میباشد. یک ناظر ارتش آمریکا مطرح نمود که، «یا ما این مشکل را جدی خواهیم گرفت و مبالغ هنگفتی به‌ترکیه میدهیم، یا از این عقیده که ترکیه قادر بدفاع از جناح جنوب شرقی ناتو است، دست می‌کشیم»

آمریکا از اینکه ترکیه تغیر جناح دهد نگران نیست، چرا که این امر غیر ممکن میباشد. حداکثر ترکیه ممکن است روابط نزدیکتری با جهان سوم بخصوص کشورهای عرب ایجاد نماید، و تجدید نظری در روابطش با روسیه کند، که با علاقه بروابط ترکیه و آمریکا مینگرد. هیچکدام از این امور کمکی به‌استراتژی آمریکا در منطقه نخواهد نمود که هم ترکها و هم آمریکائیها باین مسئله واقف هستند. بنابراین معامله مشکل است علی‌الخصوص ترکیه‌ائی که با خواست تغیر، در مقابل دست‌برتر دارد.

ترکیها از این ناراحتند که آمریکا برای پیمان صلح کارتر مایل به‌پرداخت ۵ میلیارد دلار کمک بلاعوض بمصر و اسرائیل هست، در حالیکه آنها (ترکها) بر مبلغ کمتر می‌باید چانه بزند و اصرار کند که برای محبوبیت آمریکا جالب نمیباشد.

«مخاطره بزرگ»

یک عضو بالا رتبه وزارت خارجه ترکیه گفت که، «دولت در پائیز گذشته ریسک بزرگی با مجدداً باز کردن پایگاههای آمریکایی کرد. اگر نتایج مثبتی از گفتگوهایمان بدست نیاید، دولت با مشکلات مهمی روبرو خواهد شد.»

وضع سخت نیروهای نظامی ترکیه مورد توجه خاص برنامه‌ریزان ارتش آمریکا قرار گرفته است. بگفته یک متخصص نظامی آمریکا، «بیلیون‌ها دلار مورد احتیاج است تا ترکیه بصورت حمایت کننده درستی از این جناح ناتو درآید.»

ارتش ترکیه ۳۷۵ نفر، ۲ پیاده نظام مکانیزه، ۱۴ هنگ پیاده نظام باضافه تیپ‌های مستقل، شامل چتر بازان و کماندوها دارد. اما تمام ۲۸۰۰ تانکش محصول جنگ کره میباشد و سیستم مخابراتش نیز کهنه. کمبود سوخت تعلیم واحدهای تاکتیکی را به‌حداقل ممکنه کاهش داده است.

آمریکائیها مایل به‌تعویض واحدهای تانک کهنه با گردانهای سیار که مجهز به‌وسایل ضد تانک میباشد، هستند، ترکها با کاهش تعداد تانکها موافق نیستند. اگر چه بسختی میتوانند با زرهپوشهای روسی رقابت کنند. نیروی دریایی ترکیه، از نظر وابسته‌های نظامی غرب، وضع اسفناکتری دارد. بیشتر کشتیهایش از عمرشان طولانی‌تر زنده‌اند. نیروی دریایی از ۴۳۰۰۰ نفر، ۱۴ زیر دریایی، ۱۲ ویران کننده، ۲ فریگات (یکنوع کشتی)، باضافه قایقهای گشتی و حامی شامل شده است. آمریکائیها مایلند بیشتر کشتیهای عتیقه نابود شود و بجای آنها کشتیهای گشتی تندرو که مجهز بوسایل جنگی باشند، قرار گیرند. که این نیز به‌هزینه بسیار و زیادی احتیاج دارد.

«افسردگی نیروی هوایی»

نیروی هوایی ترکیه با ۳۱۹ جنگنده نسبتاً مدرن میباشد، اما فقدان قطعات یدکی که نتیجه تحریم بوسیله آمریکا استظرفیت عملیاتی آنرا تا ۵۰ درصد کاهش داد. یک گزارش اخیر ناتو از فرماندهان نیروی هوایی صحبت میکند که در «حالت افسردگی رها نشده» قرار دادند.

از آذرماه قبل، نیروی نظامی به‌حفظ قسمتهایی از کشور پرداخته‌اند که حکومت نظامی بعد از ایجاد اغتشاش بر آنها اعمال شد. اگر چه در آغاز بنظر آمد که ارتش موفق گردیده، اما گانگستریسم سیاسی ادامه یافته است. در اولین چهار ماه امسال (سال میلادی ۷۹) حدود ۴۰۰ نفر در درگیریها کشته شده‌اند.

ترکها ریشه‌های آشوب و اضطراب را اصولاً در اقتصاد می‌بینند. «شما پول بما دهید تا وضع خانه را سرو وضعی ببخشیم.» این جان کلام پیامی است که از این پایتخت افسرده صادر میشود.

تأثیر بدی که تحریم اسلحه بر جامعه ترکیه گذارده بسیار شدید میباشد. در حقیقت عمق این تأثیر آنقدر بزرگ است که بعضی از آمریکائیها شک دارند که بتوانند صدمات روانی حاصل از این جریان را جبران کنند.

ترکیه خودش را قربانی سیاست‌های قومی (در رابطه بایونان) آمریکا می‌بیند. هنوز هم ترکیه سعی میکند خود را به‌غرب متصل کند، اما اینبار برای پول. ترکها میگویند هر چه بیشتر غرب پاشنه‌هایش را بکشد، این پول احتمالاً افزایش خواهد یافت.

بقیه از صفحه ۱

شوراها

خبرها قرار گرفت. اما نه دولت آقای بازرگان و نه رسانه‌های گروهی و مطبوعات هیچکدام بطوری جدی و پیگیر طرح مساله را دنبال نکردند. رادیو و تلویزیون هم نه تنها چندان برنامه‌ای در تشریح اصول شوراها پخش نکرد، بلکه با بی‌تفاوتی، همچون دولت آقای بازرگان، آرام از کنار مسئله گذشت. شاید بگوئید که دولت طرح شوراها را اعلام داشته، و آقای بازرگان آن را در تلویزیون مورد تأیید قرار داده‌اند، اما باید پرسید این اعلام، آنهم تنها یکبار و بطور مختصر و گذرا چه نتیجه‌ای بخشید.!؟ و آنگاه ایشان در سخنرانی ۱۴ تیر شوراهای کارگری را مزاحم پیشرفت کارها میدانند و با تکیه بر کارمندان و تأئید کارفرمایان و بدون هیچگونه صحبت از شوراهای کارگری، آن را مزاحم کار دولت هم میخوانند، و از طرف دیگر بدون تبلیغ و تشریح کار شوراهای اسلامی و چگونگی محتوا و اشکال آن، در اجرای این قانون اسلامی سستی بخرج میدهند. و این روزها هم وزارت کار از تشکیل این شوراهای اسلامی کارگران در کارخانجات جلوگیری میکند و سندیکا را بجای شورا پیشنهاد و تبلیغ مینمایند.!

بدون تشکیل شوراهای اسلامی در شهر و روستا، کارخانه و دانشگاه، اداره و ارتش و... هیچ توده‌ای برای عملکرد انقلابی امکان‌پذیر نیست. بدون تشکل و سازماندهی مردم بر پایه شوراء تداوم انقلاب در جهت تحقق آرمانهای انقلابی امکان ندارد. این همان اصلی است که از آشوب، انحراف، اشتباه، دوپاره کاریها و... جلوگیری خواهد کرد. بار دیگر به‌دولت موقت آقای بازرگان در پیشبرد هر چه سریع‌تر کارها، بر اصل شوراها هشدار میدهیم که تا شرایط عینی تحقق اهداف اسلامی فراهم است و تا مردم همچنان شور انقلابی خود را دارند. با هیچ توده‌ها از طریق شوراهای اسلامی حل مشکلات مردم را بخود مردم بسپارید. کوه مشکلاتی که برای شما لاینحل جلوه می‌کند، بوسیله همین شوراها و بهیچ همین مردم به‌نیروی ایمان به‌اسلام قابل حل است. البته اگر به‌توده‌ها ایمان نیاورید، و از نیروی لایزال و استعدادهای خلاق آنها استفاده نکنید، مسلّم است که با کمبود «رجل» از آن تعداد «رجل» دلخواه شما روبرو خواهید بود و کارها هم همچنان کوهی از مشکلات در مقابل باقی خواهد ماند. این هشدار بدان معنی نیست که مسئولین امر در دولت را صادق ندانیم و کار شبانه‌روزی آنها را نادیده بگیریم. ما نمی‌گوئیم که دولت کاری نکرده، بلکه معتقدیم که دولت کمتر کار انقلابی کرده. اولین کار انقلابی، بهیچ توده‌ها در شوراها است و به‌حساب آوردن آنها در کارها و تصمیم‌گیریها. و تا دولت موقت امر شوراها را چنین بی‌اهمیت و سرسری بگیرد، و بنابرهمان بینش غیر انقلابی که بر تصمیم‌گیریهای دولت حاکم است کمتر توجهی به‌اجراء برنامه‌های انقلابی بشود، تحقق اهداف انقلابی غیرممکن است.

و مشکلات همچون «کوه» در مقابل تصمیم‌گیرهای چون «کاه» باقی خواهد ماند.

بقیه از صفحه ۱

گزارشی از کارخانه: وضع کارگران

۱ ــ در گذشته و حال حد اکثر مزد کارگر ۴۰۰ ریال می‌باشد که تاکنون هیچ تغییری در آن صورت نگرفته این مسئله باعث شده که عده‌ای برای رسیدن بحق خود دست به‌کم‌کاری بزنند و بدیهی است که این عمل باعث تقلیل میزان تولید شده است.

۲ ــ سالن غذاخوری این مجتمع گنجایش همه کارکنان را ندارد و ضمناً از یک سرویس خوب برخوردار نیست.

۳ ــ ناگفته نماند که اخیراً حق حرارت کارکنان را از ۵۰ ریال به ۱۰۰ ریال افزایش یافته و همچنین اقدام به دادن وامهای بدون بهره شده است، که متأسفانه به‌فال و قرعه متوسل شده‌اند نه به‌نیاز و ضرورت کارکنان.

۴ ــ تعداد ۹۰۰ دستگاه منازل مسکونی برای کارکنان ایجاد شده است که نسبت به‌کل کارکنان رقم ناچیزی است. و ضمناً از لحاظ فرم ساختمانی روی هیچ اصول صحیحی ساخته نشده است و فاقد همه‌گونه امکانات از قبیل ــ فاضلاب ــ درب و پنجره ــ مدرسه ــ فروشگاه میباشد البته مدیریت جدید سعی در برطرف کردن نیازهای صنفی شهرک کارکنان میکند.

۵ ــ کمیته کار و امور اجتماعی امام فعالیتهائی در جهت ملی کردن کارخانه و فرستادن نیروهای فعال در جهت بالابردن میزان تولید و ایجاد شوراهای کارگری و جلوگیری ازخروج سرمایه به‌نفع علی رضائی انجام داده است.

۶ ــ از میان کارخانه‌ها شورای اسلامی کارخانه پولادسازی شاهین و مفتول‌سازی انتخاب و کار خود را شروع کرده‌اند. امید است با شرکت فعال برادران کارگر و کمیتهٔ کار امام بقیه کارخانه‌ها شوراهای اسلامی انقلابی را تشکیل دهند.

۷ ــ ما کارکنان خواستار شرکت فعال شوراها در مورد حل مشکلات تولید و فروش و مسائل رفاهی هستیم وهمچنین می‌خواهیم مدیریت مسلمان و با ایمان کارخانه که خود را نماینده امام و ملت و دولت می‌داند با شوراها برخورد صریح و فعال داشته باشد.

بقیه از صفحه ۴

ایدئولژیک

عضویت در امت و هجرت بمدینه و شرکت کامل در سرنوشت بقیه مومنان، شرط اصلی بحساب می‌آمد.

آن تعداد از مسلمانان که حاضر می‌شدند با نظام اجتماعی قبائلی و فرهنگ شرکت جاهلی بکلی وداع کرده به‌جامعه توحیدی مدینه هجرت نمایند به‌عضویت امت در می‌آمدند

در مدینه، بفرمان پیامبر مهاجر و انصار در زندگی یکدیگر سهیم شدند هر کس خانه، اسب و مرکب، مزرعه و لوازم اضافی داشت به‌برادرش می‌بخشید فروش‌خانه از جانب پیغمبر نهی شد زیرا اگر کسی خانه‌ای داشت که نمی‌خواست از آن استفاده کند باید بلاعوض به‌برادر نیازمندش می‌داد، اراضی مدینه در ملکیت عموم مومنان در آمد و قابل تملک خصوصی یا خرید و فروش نبود

هر کس هر چیز نیاز داشت بهمان مقدار در مال و لوازم برادر مومنش سهیم داشت. مواسات بمعنای کاملش حکمفرما گردید ــ مشارکت در همه چیز کامل بود، آب، مرتع، سوخت و نمک و دیگر نیازمندیهای اساسی همگانی و مشترک بین همه مردم اعلام شد. فروش مازاد آب آشامیدنی و زراعی و یا علف و مرتع ممنوع گردید.

پایه اصلی مناسبات و روابط مردم بر اساس ایمان و تقوی استوار بود در اجرای بسیاری از این ترتیبات تازه که متضمن گذشت از منافع و مایملک شخصی و ترجیح‌دادن برادر مومن برخود بود ــ پیامبر بر عامل ایمان و تقوی مسلمانان تکیه می‌فرمود ــ

این نکته بسیار اهمیت دارد که بدانیم جز در موارد خاصی که برای سلامت و بقای جامعه و نهضت اسلام اهمیت حیاتی داشت در موارد دیگر پیامبر مومنان را به‌انجام با رعایت قواعد اسلامی توصیه و راهنمایی تشویق می‌فرمود البته اصول بصورت حکم و امر و نهی صادر می‌گشت تقسیم مال و مزایا بین همه مومنان با تساوی کامل صورت می‌گرفت هیچ عاملی جز احتیاج نمی‌توانست موجب برتری شخصی در استفاده از نعمت‌های مادّی شود ــ کسانی که در راه ایمان و هدفهای مشترک فداکاری می‌کردند اجر خود را بلافاصله از جانب پروردگار دریافت می‌کردند ــ در تامین احتیاجات افراد ــ مقام و مرتبه با مسئولیت و طبقه در نظر گرفته نمی‌شد ــ فرمانده و سرباز ــ والی و کارمند ساده و مردم معمولی، دانشمند و عامی همه یکسان و بمیزان احتیاج حقوق و سهم دریافت می‌داشتند

بیت‌المال بطور سرانه تقسیم می‌شد تا خانواده‌های پر جمعیت که احتیاجشان بیشتر است، سهم بیشتری نصیب ببرند ــ خرید و فروش یا اجاره و کرایه زمین و خانه رواج نداشت و پیامبر مومنان را از این نوع فعالیتها بر حذر داشت

روابط برادرانه تا آنجا پیشرفت کرده بود که اگر کسی به‌پولی نیاز داشت به‌خود حق می‌داد بهمان اندازه از مال برادر مومنش برداشت کند. همه در صورت توانائی جسمانی کار می‌کردند کسی سربار دیگر نبود و حق استثمار نداشت ــ و از محصول خود کسی مازاد بر احتیاج ذخیره نمی‌کرد. هدف از تولید هرگز سودجوئی نبود ــ تفاوتها و تمایزات دوران جاهلی که بر اساس ثروت، نژاد ــ موقعیت خانوادگی یا قبیله‌ای و اصل و نسب بود یکسره ازبین رفت ــ در ارجاع وظیفه و مسئولیت ــ صلاحیت و شایستگی در نظر گرفته می‌شد با اینحال برای تامین رشد همه‌جانبه اشخاص به‌افراد مسئولیتهای گوناگون اعطا می‌گردید ــ تخصص به‌معنای امروزی رایج نبود، همه در موقع لزوم آماده دفاع و جهاد بودند و داوطلب سربازی می‌شدند و در حال عادی به‌کار تولیدی و انجام خدمت اجتماعی مشغول می‌شدند کار جسمی برای همه توصیه می‌گردید و این نبود که بخشی از مردم صرفاً و همه وقت کار فکری کنند و بخش دیگر یکسره به‌کار جسمی بپردازند.

خلاصه از یک جامعه و نظام توحیدی و روابط برادرانه و توأم با اشتراک و برابری و سرمایه ایمان و تقوی که در عصر ظهور مهدی موعود علیه‌اسلام وعده داده شده است در عصر پیامبر در مدینه تحقق عینی یافت و ما اکنون سعی می‌کنیم ضمن بیان اصول اساسی

بقیه در صفحه ۴

تـوطئه امپریـالیسم و صهیونـیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم

لایحه قانونی ملّی شدن صنایع

متن کامل قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران:

نظام گذشته ضمن حمایت ظاهری از صنایع کشور که به‌بهای نابودی کشاورزی به‌عمل می‌آورد آنها را بصورت چپاول سرمایه‌های ملی بدست عمال خود و وابستگی اقتصاد ایران به‌سرمایه‌داری خارجی و مصرفی ساختن کشور در آورده بود. صنایع ایران بر پایه صنعت و اقتصاد وابسته به‌سرمایه‌داری غارتگر جهانی بوجود آمده بود و طبیعی بود که دیر یا زود دچار نابسامانی شود. آثار این نابسامانی در دو سه سال اخیر روز بروز نمایان‌تر میشد و در اعتصابات سال ۱۳۵۷ و بعد از سقوط رژیم، بحد اعلی رسید و در اثر آشفتگی روابط کارگری و مدیریت و مالکیت از یک طرف و مشکلات سفارش مواد اولیه و فروش کالاهای ساخته شده از طرف دیگر دچار بحران شدید گردید و اینک نجات صنعت و اقتصاد کشور ایجاب میکند اقدامی قاطع در جهت احیاء و اداره صحیح و توسعه آنها بمنظورهای ذیل بعمل آید:

الف ــ رعایت نظام اسلامی در مورد حقوق کار.

ب ــ خروج اقتصاد ایران از وابستگی به‌نفت و احراز استقلال از طریق تولید نیازهای داخلی تا سرحد خودکفائی و توسعه صادرات

ج ــ گسترش زمینه کار و اشتغال و تخصص.

د ــ قطع ید از عمال نظام استبدادی و استثمارگران.

هـ ــ احتراز از دولت سالاری و تشویق و حمایت از فعالیت‌های غیردولتی و ابتکار در بخش خصوصی. لذا قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در دو ماده اعلام میگردد:

ماده یک ــ صنایع موجود بر حسب شرایط به‌چهار دسته تقسیم میگردد و درباره هر گروه بنحو خاص عمل میگردد.

الف ــ علاوه بر نفت، گاز، راه‌آهن، برق و شیلات که قبلاً ملّی شده، صنایع زیر نیز ملی میشوند:

الف ۱ ــ صنایع تولید فلزاتی که در صنعت مصرف عمده دارند مانند فولاد، مس و آلومینیوم شامل مرحلهٔ نورد گرم.

الف ۲ ــ ساخت و مونتاژ کشتی، هواپیما و اتومبیل

ب ــ صنایع و معادن بزرگی که صاحبان آن از طریق روابط غیرقانونی با رژیم گذشته استفاده نامشروع از امکانات و تضییع حقوق عمومی به‌ثروت‌های کلان دست یافته‌اند و برخی از آنها از کشور متواری هستند و دولت طبق لایحه قانونی شماره ۶۷۳۸ مورخ ۵۸/۳/۲۶ مدیریت آنها را در اختیار گرفته است. سهام این گونه اشخاص به‌تملک دولت در می‌آید. هر گونه رسیدگی مالی و فنی و حقوقی نسبت باین گونه اشخاص در اختیار دولت خواهد بود.

تبصره ــ بهای سهامی که طبق حکم امام متعلق به‌بنیاد مستضعفان میشود پس از ارزیابی در صورتی که مازاد بر دیون بدولت باشد از طرف دولت باین بنیاد پرداخت میگردد.

ج ــ کارخانجات و مؤسساتی که وامهای قابل توجه برای احداث یا توسعه از بانک‌ها دریافت داشته‌اند درصورتیکه کلّ بدهی آنها از دارائی خالص آنان بالاتر باشد متعلق به‌دولت است و بقیه بدهی ایشان بعنوان طلب دولت و مردم بهر صورت که مقتضی باشد وصول خواهد شد. در صورتیکه دارائی این واحدها بیشتر از مطالبات بانکها و مردم باشد، دولت به‌سمت مالک بانکها و نسبت به‌مطالبات خود و مردم در مالکیت آن واحد سهیم میشود.

د ــ کارخانجات و مؤسسات تولیدی که متعلق به‌بخش خصوصی بوده و وضع مالی و اقتصادی مساعدی دارند و مشمول بند ب.

ماده ۱ نباشد بر اساس قبول اصل مالکیت مشروع مشروط مالکیت آنها از طرف دولت برسمیت شناخته میشود و مورد حمایت قانونی قرار میگیرد.

تبصره ــ بدهی‌ها، وثیقه‌ها و تضمین‌هائیکه مالکین و مدیران مؤسسات مورد بحث در قبال وام بانکها داشته و سپرده‌اند به‌قوت خود باقی است و مطالبه خواهد شد.

ماده ۲ ــ آئین‌نامه اجرائی این قانون باید ظرف مدت یک هفته بوسیله وزارت‌خانه‌های صنایع و معادن بازرگانی و سازمان برنامه بودجه تنظیم شود و به‌تصویب هیات وزیران برسد و افراد مشمول بند ب ماده ۱ به‌تصویب جلسه مشترک وزرای بازرگانی صنایع و معادن و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان شورای انقلاب اسلامی برسد و همراه با اصل لایحه اعلام گردد.

هشدار حضرت آیت‌اله طالقانی دربارهٔ ضدانقلاب

حضرت آیت‌اله طالقانی در پیامی روشنگر و هشیارانه که بتاریخ ۱۵ تیر ۵۸ برای خلق قهرمان ما فرستادند یادآور شدند که: در این شرایط و اوضاعی که ملّت ما میگذراند و واقع شدیم، مسائلی احساس می‌کنم که جریان یافته که همه مردم آگاه، بیدار، رهبران با ایمان و صادق را رنج میدهد و این پیام، پیام خداست، پیامی است به‌همه مسلمانان، بارها هم در نوشته‌ها و پیامها تکرار شده و باز هم تکرار می‌کنم و «واعتصموا بحبل‌اله جمیعاً ولاتفرقوا... واذا کروا نعمةاله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحکم بنعمته اخوانا» این بانگ رسای وحی و قرآن ما است. در شرایطی که مسلمانهای صدر اسلام میگذراندند که بی‌شباهت به‌شرایط فعلی ما نبود یعنی بعد از پیروزی اسلامی و بعد از ضربه‌هایی که به‌پیکر شرک و کفر و بت‌ها خورده شد، مشرکین از طریق مقاومت مسلحانه دیگر نمی‌توانستند این حرکت ایمانی و انقلابی اسلام را سرکوب کنند و شروع کردند به‌نفوذ و رخنه در بین مسلمانها. مشرکین، اهل کتاب، منافقین، القاء شبهات یعنی جامعه توحیدی اسلام که در زیر سرپرستی شخصیت رسول اکرم بود از درون می‌خواستند آنرا متلاشی کنند و من الان می‌بینم که باز یک چنین دسائس در کار است.

... اگر انحرافهای اخلاقی یا فرض کنید دینی در بین بعضی از گروهها باشد که با تهمت و افترا و با کوبیدن یکدیگر که برطرف نخواهد شد، آیا نمیشود با تفاهم این جوانهای مسلمان، این گروههای اسلامی، مشکلاتشان را حل کنند. اساساً کیست که یک مسلمان کامل باشد، کدام نمونه است مسلماً هر کسی یک نقص، یک کسری، یک ضعفی در او هست، آیا این ضعف‌ها را باید با تهمت و افترا و کوبیدن یکدیگر جبران کنیم، اینها غده‌های چرکینی است که در مملکت در حال پیشرفت است.

... در این درگیریهائی که این چند روز بود همانقدری که ما متأثر بودیم، دشمن لبخند می‌زند که از خوب جاهائی شروع کردیم... من انتظار دارم همانطوریکه رهبر انقلاب و همه کسانی که دردمندند و نگرانند و به‌خون شهدا من اینها را سوگند می‌دهم که از این موضع‌گیری‌ها دست بدارند. و از رهبرهای گروه‌ها انتظار دارم که برای گروه‌پرستی، برای خودنمایی این نهضت عظیم و چهره اسلام را خراب نکنند.

... پیام من به‌همه برادرانم، خواهرانم، فرزندانم همین است که با هوشیاری و آگاهی متوجه دسائس و تحریکات باشند و سلام و درود من بر همه مسلمانها و و بر همهٔ شهدا و بر همهٔ کسانیکه با اخلاص و صمیمیت این نهضت را پیش بردند و تا به‌اینجا رساندند.

همافران: سکوت در برابر فعالیت‌های خائنانه برای بازگشت امپریالیسم، خیانت است

همافران بمنظور افشاگری و متوجه نمودن مقامات مسئول و ملت قهرمان ما دربارهٔ رشد ضد انقلاب، در مقدمهٔ خواسته‌هایشان نوشته‌اند که:

در این مقطع زمانی، سکوت در برابر رویدادهای درون ارتش، مخصوصاً در نیروی هوایی را که مجدداً شروع به‌فعالیت‌های خائنانه‌ای برای بازگشت سلطهٔ امپریالیست‌های جهانخوار شرق و غرب نموده‌اند، خیانت می‌دانیم.»

از طرف دیگر چون بلافاصله پس از پیروزی انقلاب عواملی آگاهانه و مغرضانه درصدد بر هم زدن نیروها و رو در رو قرار دادن گروههای مختلف در نیروی هوایی و بریائی آشوب بوده و با توجه به‌توطئه‌هایی که در بطن ارتش مخصوصاً در نیروی هوایی جهت بدنام کردن همافران (که بزعم آنان مهمترین عامل بی‌آبروئی سران و گردانندگان ارتش شاهنشاهی سابق بوده‌اند) در حال انجام است. لذا برای افشاگری هر چه بیشتر و آگاهی دادن بمقامات مسئول و ملّت مبارز ایران و توجه دادن آنان به‌خواسته‌های مشروع و منطقی خود از تاریخ ۵۸/۴/۱۶ تا نتیجه‌گیری کامل در تمام پایگاه‌های نیروی هوائی دست به‌تحصن مشروط می‌زنیم.

خواسته‌های همافران باین شرح مطرح شده است:

۱ ــ تأئید شورای مرکزی ستاد نیروی هوائی از طرف شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران که بدستور نخست وزیر مسئول پاکسازی محیط نیروی هوایی شده و در اختیار گرفتن مجدد اسناد و مدارک موجود در ضد اطلاعات جهت رسیدگی و شناسایی افراد ضد انقلاب و تصفیهٔ سریع آنها با توجه باینکه در حال حاضر درهای ساختمانهای ضد اطلاعات بروی اعضای شورای مرکزی بسته شده و امکان بررسی پرونده‌ها و اسناد نیست و اینکه مهلت رسیدگی باین پرونده‌ها و دیگر اعمال کلیه نظامیان تا تاریخ ۵۸/۴/۱۹ محدود شده است.

۲ ــ روشن شدن هر چه سریع‌تر وضع همافران تا بتوانیم با مشخص شدن مسئولیتهای جدیدمان تا آنجا که میتوانیم در بازسازی کشور عزیزمان و شرکت در جهادی که امام تکلیف فرموده‌اند، ایفای نقش نمائیم.

۳ ــ صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هائی که بهر شکل میتواند ایجاد تحریک و یا عکس‌العملی را توسط تمام یا گروهی از پرسنل نیروی هوایی در برداشته باشد. باید توسط شورای مرکزی ستاد نیرو تأئید شده باشد.

۴ ــ جلوگیری از اخراج پرسنل اعم از فرهنگی و غیره به‌بهانه‌های واهی که در رابطه با مسائل ذکر شده در بالا هستند.

پایان تحصن خانواده‌های مجاهدین

خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی مجاهدین خلق، بتوصیه حضرت آیت‌اله طالقانی، به‌تحصن ۹ روزهٔ خود در دادگستری (روز پنجشنبه ۵۸/۴/۱۴) پایان دادند. این تحصن بمنظور آزادی محمد رضا سعادتی عضو سازمان مجاهدین خلق صورت گرفته بود. سازمان مجاهدین پیرامون پایان تحصن خانواده‌های شهداء اطلاعیه‌ای انتشار داد و در آن اعلام کرد که: همچنان بمبارزه با ارتجاع و استبداد ادامه میدهد.

پشتیبانی ایران از مبارزات حق‌طلبانه مردم نیکاراگوئه

دفتر هماهنگی گروه غیرمتعهد در نیویورک ضمن صدور اعلامیه‌ای نسبت به‌اقدام مشترک کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای منطقهٔ کارائیب دایر بر ابراز مخالفت شدید با هر گونه دخالت خارجی بخصوص مداخلهٔ نظامی ابرقدرتها در نیکاراگوئه پشتیبانی و همبستگی خود را اعلام داشت. در اعلامیه دفتر هماهنگی گروه غیرمتعهد، دولت جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات حقه مردم نیکاراگوئه به‌منظور طرد استبداد و استثمار و استقرار آزادی و عدالت در آن کشور اعلام داشت.

مراکز پخش نشریه امت

۱ــ کتابفروشی حنیف ــ هفت‌چنار ــ اول حسام‌السلطنه

۲ــ کتابفروشی سعید محسن ــ میدان امام حسین (فوزیه)

۳ــ مغازهٔ صفائی ــ میدان غار ــ اول خیابان غار تلفن: ۵۲۳۷۵۶

۴ــ فروشگاه اتحاد ــ بازار آهنگرها ــ سه‌راه حاج نادعلی تلفن ۵۲۱۵۸۷

۵ــ کتابفروشی مولیٰ خیابان انقلاب (شاهرضا) نرسیده به‌دانشگاه تهران ــ روبروی پمپ‌بنزین

۶ــ انتشارات سلمان ــ ناصرخسرو ــ کوچه حاج نایب

۷ــ انتشارات امام ــ خیابان ۱۷ شهریور (دروازه‌دولاب) ــ نبش آبشار

۸ــ انتشارات الهام ــ میدان انقلاب ــ بازارچهٔ کتاب

۹ ــ انتشارات روشنگر ــ میدان تجریش جنب مسجد اعظم

۱۰ ــ مسجد اعظم ــ خیابان شیروخورشید ــ خیابان رباط کریم

۱۱ ــ انتشارات صادق ــ خیابان آناتول‌فرانس

۱۲ ــ انتشارات رهیار ــ میدان انقلاب ــ اول خیابان کارگر

۱۳ ــ مسجد فاطمهٔ زهرا (ع) ــ خیابان امام زمان (ع) ــ خیابان استاد معین

ارگانهای ساواک، علیه انقلاب مخفیانه عمل می‌کنند

قضات تحقیق و بازپرسان سابق دادگاه انقلاب بتاریخ سه‌شنبه ۱۲ تیر ۵۸ به‌حضور امام خمینی رسیدند و گزارش کار چهار ماهه خود را تقدیم امام کردند. آنها هم چنین گفتند که: تا حدود یکماه قبل ما کادر قضائی دادسرای انقلاب اسلامی تهران را تشکیل میدادیم. در این مدت سعی میشد دادگاهها با شیوه انقلابی و آنچنان که شایسته یک دادگاه انقلابی اسلامی است، عمل کنند. با توجه باینکه ما حقوقدان بودیم، بدلایل مبهم، دادسرای انقلاب را تصفیه کردند. نحوه عمل دادگاههای قبل و بعد از تصفیه، نشان دهنده شکل کار ما و نمودار عمل جانشینان ما است که از بازپرسان و قضات تحقیق دادگستری استفاده شده است.

... ما آمده‌ایم بگوئیم ارگانهای ساواک علیه انقلاب مخفیانه عمل می‌کنند و هم اکنون منابع ساواک به‌کار ادامه میدهند. ما آمده‌ایم بگوئیم عناصر فعال و مهره‌های اصلی رژیم شاه را بدون محاکمه، آزاد می‌کنند.

... ما آمده‌ایم اعلام کنیم، جلوی عمل صحیح تنها ارگان انقلابی انقلاب را گرفتند و دلیل بر انقلابی بودن و اسلامی بودنش، تأئید سراسری ملت ایران بود.

بعد از تصفیه دادگاه، حسین مومن رئیس نیم تعقیب و مراقبت ساواک منحله، که مستقیم و غیر مستقیم باعث قتل بیش از سی نفر انقلابیون بوده است و پرونده این شخص را به‌حضورتان آوردیم و در حضور قاضی شرع و بازپرسان و قضات تحقیق فرمودید مفسدالارض است امّا حال این شخص به‌چهار سال زندان محکوم شده است.

عملیات انقلابیون در فلسطین

دمشق ۷۹/۷/۳ ــ وفا

اطلاعیه نظامی شماره ۷۹/۱۰۳

گروهی از انقلابیون صبح دیروز با عبور از مراکز تفتیش و تور وسیع پلیسی دشمن توانستند بسته‌های مواد منفجره را در یک ایستگاه اتوبوس ارتش در راه تل‌آویو ــ ملبس (بتاح‌کیفا) ــ کار بگذارند. انفجار این بمبها تعداد نامعلومی کشته و زخمی در بین سربازان دشمن بر جای گذاشت. هم‌چنین شیشه‌های ساختمانهای اطراف فرو ریخت.

بدنبال این حادثه گروهی از فلسطینی‌ها در این رابطه دستگیر شدند. رادیوی اسرائیل از قول سخنگوی پلیس باین عملیات اعتراف کرده است.

دشواری خودمختاری کرانه غربی و غزه

بیروت ۷۹/۷/۲ ــ وفا

هنری کسینجر وزیر خارجه سابق آمریکا دیروز در دیداری با انورسادات خائن در قاهره گفت فلسطینی‌ها باید قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل را قبول کنند و باید مذاکراتی بین آمریکا و فلسطینی‌ها صورت بگیرد. وی اعتراف کرد که دشوار است خودمختاری کرانه غربی و غزه تحقق یابد. کسینجر صهیونیست قطعنامه‌های ۳۶۳۶ و ۳۶۳۷ سازمان ملل را که به‌حقوق ثابت فلسطینی‌ها صراحت داشته و در بیست و نهمین اجلاسیه شورای امنیت سازمان ملل صادر شده است، نادیده گرفته و فقط به‌قطعنامه ۲۴۲ که فلسطینی‌ها را بعنوان پناهندگان میخواند اشاره میکند.

لطفاً وجوه نشریه امت را به‌حساب جاری شماره ۴۰۰ بانک صادرات شعبه تخت‌طاووس روزولت واریز نمایید

بقیه از صفحه ۱

جهاد و..

است که جامعه طراز مکتب و انسان توحیدی می‌آفریند.

مهمترین اصل از اصولی که اسلام برای ایجاد ارزشها آورده، اصل جهاد است. جهاد به‌معنای وسیع کلمه و مفهوم عمیق و دقیق آن ضامن تداوم انقلاب در راستای ایجاد نهادهای نوین ارزشی است. جهاد در مرحله نابودی نظام طاغوت در اشکال مختلف بکار گرفته می‌شود و هم در مرحله سازندگی، یعنی تغییر بنیاد فکری و عملی فرد و جامعه. آنچه که یک انقلاب اسلامی را به‌تداوم وا میدارد و امر «انقلاب در انقلاب» را تحقق می‌بخشد، جهاد است. از اینجهت است که جهاد را تلاش دائمی یک انسان و یک جامعه در جهت خدائی شدن می‌توان نامید. آنگاه که جامعه‌ای اصل جهاد را همیشه حفظ کند، حیات انقلابی‌اش همیشه زنده و پایدار خواهد بود.

جهاد سازندگی

درباره طرح جهاد سازندگی که اکنون با تلاش بی‌گیر در جهت تحقق آنیم، خود طرحی مفید و پیشرو می‌باشد، اما در انقلاب نمی‌توان یک طرح را هر چند که سازنده و مفید، مجزا و انتزاعی بررسی نمود، علی‌الخصوص چنین طرحی که خواست عمران و آبادی روستاهای ویران و کشاورزی نابود شده را دارد. چنین طرحی اگر با برنامه‌ریزی سازمان یافته اقتصادی و فرهنگی توأم و همراه نباشد، آن نتیجه مطلوب را بدست نخواهد آورد. اگر چه اصل جریان هر چند هم درست و مفید، اما چون از یک برنامه‌ریزی همه جانبه اقتصادی ــ اجتماعی طولانی مدت برخوردار نیست، نتیجه‌اش هم گذرا خواهد بود. کدام برنامه‌ریزی همه جانبه برای احیاء کشاورزی و بازسازی روستاها از جانب دولت موقت اعلام گردیده و وزارت کشاورزی با «خان»ها و مالکین و اربابان بازنشسته و دوباره بازگشته به‌روستاها چه میخواهد بکند؟ و طرح دولت در این امور چیست؟ که برنامه جهاد برای سازندگی هم بتواند بهتر در جهت کمک به‌کشاورزان مؤثر واقع شود. جوانان پُر شور و مبارز اگر همراه یک دید دراز مدت و طرحی همه جانبه به‌روستا بروند، حاصل کار نتیجه‌ای بسیار مطلوب خواهد داشت. از طرفی تا کنون برای خود برنامه «جهاد سازندگی» برنامه معین و مشخص و از قبل آماده نشده و اعلام نگردیده است. این است که برای شناسائی روستاها و نیازمندیها و طرح‌ریزی برنامه، صرف انرژی و وقتی لازم است که می‌توانست این امر قبل از حرکت نیروها صورت پذیرد. در هر صورت تداوم این برنامه باید همراه برنامه‌ریزی انقلابی و همه‌جانبه برای روستاها از جانب شورای انقلاب و دولت موقت انجام گیرد. تا در اجراء بهتر چنین برنامه‌ای تنها بصورت مقطعی و گذرا عمل نشود و برای سالهای بعد و تداومش برنامه‌های اصولی ریخته شود.

برنامه‌ای که تنها شامل جوانان دانش‌آموز و دانشجو نباشد، بلکه خیل بیکاران در شهر را برای یک حرکت انقلابی در راه ساختن ایرانی آباد و آزاد بسیج نموده و با عمل انقلابی، روستا و شهر و روستائی و شهری را با نهادهای انقلابی آشنا سازد. نکته قابل توجه دیگر این است که بیشتر تکیه برنامه در جهت جمع‌آوری محصول، جاده‌سازی و برنامه‌های دیگر رفاعی و عمرانی است، و کمتر صحبت از «جهاد فرهنگی» در جایگزینی معیارهای انقلابی می‌شود. باید با یک آموزش قبلی و آشنائی عمیق با نهادهای ارزشی اسلام انقلاب را گسترش بخشید، که جهاد فرهنگی بنیاد جهاد سازندگی است و باید در تحقق بخشیدن آن برای تداوم انقلاب عمل نمود.

پاپوزش از خوانندگان عزیز دنباله مصاحبهٔ با **طاهر احمدزاده** در شمارهٔ آینده منتشر خواهد شد.

هفته‌نامه امت
شماره ۱۳
چهارشنبه ۲۰ تیر ۵۸
زیرنظر: شورای نویسندگان امت
خیابان چهارشمالی نبش خیابان نامجو
۸۲۲۸۳۱
۸۲۳۹۸۴
چاپ شرکت افست «سهامی عام»

درود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما